



# آرمان

شماره ۱۴-۱۲ بهمن - اسفند ۱۳۶۴

نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران



در راه سرنگونی ارتجاع متحد شویم!

## فهرست

صفحه	
۳	دوره سرنگونی ارتجاع متحد شویم
۶	یک سال ازانقشار دوره جدید آرمان گذشت
۸	صلح وامپریالیسم
۱۳	چرانوروزهمچنان ونده است
۱۴	فعالیت سیاسی درمدارس آزاد باید گردد
۱۶	سال جهانی جوانان دونظام دوبرخورد
۱۹	بیباد اراضی
۲۱	وطن دامنقا رایبرچم یوشاننده تابوت سردارماکن
۲۲	نامشان جاودانه شد
۲۳	هشتم مارس روزجهانی دن
۲۴	دوباره رئالیسم سوسیالیستی ییاراتق کرائی سوسیالیستی
۲۶	مرگ روزلنین
۲۷	شعر
۲۹	نواستعمار دوعرصه اقتصادی
	جوانان توده ایران در اجلاس میات اجرائی فدراسیون
۳۳	جهانی جوانان دمکرات
	همبستگی اعضای هیئت اجرائیه فدراسیون جهانی جوانان
۳۵	دمکرات با جوانان توده ایران
۳۶	نگش جوانان در ساختار اجتماعی کشورهای سوسیالیستی
۳۹	بهشت سرمایه داری دوزخ جوانان

آرمان - نشریه دبیرخانه خارجی سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران  
 دوره سوم - سال اول - شماره ۱۴ - ۱۲ بهمن - اسفند ۱۳۶۴  
 بهاء معادل ۲ مارک آلمان فدرال

ادرس پستی :

Winfried Schwarz  
 Markgrafenstr. 13  
 6000 Frankfurt 90

ARMAN

Review of the Foreign Bureau of the Organization of Democratic  
 Youth and Students of Iran  
 Price: L. DM or its equivalent in all other countries

به مناسبت هفتمین سالگرد انقلاب بهمن

## در راه سرنوینی ارتجاع متحد شویم!

انقلابی بر بستر جنبش توده‌ای همچنان پیروزمندانه پیش رفت. بدون شک سرعت تمرکز و سازمان‌یابی رزمندگان راه‌رهای خلق هنوز به هیچ‌رو پاسخگوی نیازهای جنبش روبه‌اعتلای توده‌ها در مقابله با ارتجاع حاکم نیست. جنبش خلق هنوز بر بزرگترین نقطه ضعف خود - پراکندگی نیروهای انقلابی - غلبه نکرده است. تفرقه میان نیروهای انقلابی سال پیش از برخی جهات دامنه وسیع‌تری نیز به خود گرفت. با این‌همه جنبش انقلابی ایران سال گذشته مرحله فرارزمندی را از سر گذراند. انتشار بیانیه مشترک حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اردیبهشت ماه ۱۳۶۶ با عنوان «پیروزیاد مبارزه خلق در راه سرنوینی جمهوری اسلامی!» پشابه نقطه عطفی در گسترش تعرض متقابل اکثریت عظیم پیروان سوسیالیسم علمی در ایران علیه ارتجاع حاکم، افق نوینی را پیش روی جنبش انقلابی کشور، وزن و اهمیت کمی و کیفی مبارزه کمونیست‌های ایران برای مجموعه جنبش انقلابی، دلایل کافی برای این‌که این تحول را مرحله نوینی در ژرفش جنبش انقلابی ایران بشماریم بدست می‌دهد. سردمداران جمهوری اسلامی با توسل باژهم بیشتر به حربه‌های زندان و شکنجه و اعدام کمونیست‌ها، دربرابر این اعتلای نوین جنبش واکنش نشان داده‌اند. غریزه حیوانی آنان که

هفتمین سالگرد انقلاب بهمن در شرایطی از راه می‌رسد که بحران اجتماعی - اقتصادی حاکم بر مین ما بازم ژرف‌تر شده است. نارضایتی و مخالفت فعال زحمتکشان همه ارکان حاکمیت خائنین به مردم و آرمان‌های انقلاب را زیر ضربات کوبنده و فرساینده خود گرفته است. حکومت ج.ا. هرچه بیشتر در باتلاق جنگ توسعه طلبانه فرورفته است. ورشکستگی مالی دولت که سال گذشته با کاهش شدید صادرات و قیمت نفت علنی شده، امکان مانور حکمرانان ج.ا. را در برابر مخالفت رشد‌یابنده مردم باژهم محدودتر کرده است. درگیری و تضاد میان دسته‌بندی‌های مختلف حکومت، علیرغم تلاشی که خمینی با انتصاب خامنه‌ای به ریاست جمهوری و منتظری به ولیعهدی خویش برای تخفیف آن بکار برد، همچنان پنهان و آشکار رشد می‌کند و قوای ارتجاع را تجلیل می‌برد. سردمداران ج.ا. اینک پیش از هر زمان دیگری به تدارک و سازماندهی بازمانده نیروهای خویش برای روزهای روبرویی نهایی با خیزش خلق می‌اندیشند.

از سوی دیگر سالی که گذشت برای سازمان‌های انقلابی و موقری ایران، علیرغم ضربات ددمنشانه و فشاردانی دشمن و برخی روندهای منفی در اردوی انقلاب، سالی پربار و نوید بخش بود. امر سازماندهی مجدد نیروهای



بیش از هر چیز در برابر خطر حساس است. به آنان کمک می کند تا گورگنان خویش را در چهره انقلابیونی بشناسند که با انضباط پیولادین در صفوف فشرده سازمان یافته اند. به آگاهی توده ها، اتکاء دارند و توان آن را دارند که از نظر سیاسی با آهنگ تجربه آموزی عینی توده ها کام پردازند، آنان را سازمان دهند و با استفاده از همه اشکال و شیوه های مبارزه آمادگی توده ها را برای اقدام قاطع گام به گام نضج بخشند.

امروز، ۷ سال پس از انقلاب بهمن نبرد یابگردانه توده ای ها و لعدائیان در زندان های رژیم، یای چوبه های تیرباران و در کارخانه ها و روستاها و خیابان ها، در راه سرنگونی رژیم ج.ا.ی. پارتیزین گواه پرچی دعاری آن سازمان هایی شده است که گویا به بیان مشی

بدون دخالت فعال و رهبری مستقیم نیروهای انقلابی در کارخانه ها و روستاها و خیابان ها می جوشد و پایه های خلافت فقها را می لرزاند. این جنبش نیازمند روشنگری و سازماندهی نه تنها توده ای ها و فدائیان، بلکه هزاران و ده ها هزار رزمنده انقلابی وابسته به گردان های مختلف جنبش انقلابی است که می بایست بجای آن که توان یکدیگر را فرسایش دهند، نیروی متحد خود را در خدمت گسترش و تعمیق آن بگذارند و در این راه از همه اشکال و شیوه های مبارزه بهره گیرند. تنها با چنین تدارک همه جانبه ای می توان بلوغ و نشج جنبش را برای دست بردن به قهر مسلحانه توده ای تسهیل و تسریع کرد. در راه سرنگونی ارتجاع متحد شویم!

سازشکارانه اکثریت عظیم پیروان سوسیالیسم علمی در ایران، از همکاری فعال با آنان سرباز می زدند و می زدند. واقعیت عینی اینک با هزار زبان، یک بار دیگر این حقیقت را عریان کرده است که آنگاه که منافع طبقه کارگر و زحمتکشان خلق های میهن ایجاد کند، کمونیست هایی همچو تردید، در نخستین صف بیرحمانه ترین پیکارهای طبقاتی به ایفای وظیفه تاریخی خویش می پردازند. برای آن عناصر، سازمان ها و نیروهای انقلابی که به راستی به منافع خلق پایبندند، این واقعیت می بایست انگیزه نیرومندی برای همیاری و همکاری و اتحاد آنان با پیشروترین میهن دوستان ایران را ایجاد کند.

جنبش توده ای، هنوز هم در موارد بسیاری

### شادباش

نودوم بهمن سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است. رفقای توده ها و در دل توده ها به پیش می برند. ما پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان را به رفقای رزمنده فدایی تبریک می گوئیم و توفیق پیروزی بازم بیشتر رفقا را آرزو می کنیم.

توفیق پیروزی بازم بیشتر رفقا را آرزو می کنیم. سگر نبردی پژوهز! بنساده اند و پیکاز ییکیز خود را علیرغم تیرباران ها و شکنجه ها و

تحریریه آرمان

## جوانان ایران!

برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

مبارزات خود را تشدید کنیم!

## يك سال از انتشار دوره جدید "آرمان" گذشت

عرصه‌های گوناگون مستمرا بررسی و تحلیل  
کنند.

- در مورد وظیفه دیگر "آرمان" یعنی  
مبارزه در راه آرمان‌های جوانان زحمتکش  
این نکته روشن است که آرمان اصلی کارگران  
و دهقانان جوان، دانش‌آموزان و دانشجویان و  
همه جوانان بیکار و نیمه کار و تهی‌دست و  
محروم شهرها و روستاها و عشایر ایران،  
هئانادستیایی به آزادی، استقلال و عدالت  
اجتماعی است، و در این زمینه با همه خلق‌های  
ایران، در گروه‌های سنی مختلف، مواضع و  
علاقه مشترک دارند. اما این نیز روشن است  
که بزرگترین، والاترین و مبرم‌ترین آرمان  
حیاتی همه جوانان - و نه فقط جوانان - در عصر  
امپریالیسم می‌رند، به دست آوردن صلح  
جهانی است؛ صلحی پایدار و تضمین شده که  
همه جوانان جهان - از جمله جوانان ایرانی -  
را به مبارزه در راه خود فرامی‌خواند.

در میان "آرمان‌های جوانان زحمتکش" از  
دختران و پسران مسایل صنفی - سیاسی نیز از  
اهمیت بسیار برخوردار است؛ تحصیلات در  
سطوح مختلف، آموزش‌های فنی، حرفه‌ای و  
تخصصی، مسایل مربوط به شغل و اشتغال،  
درویش و تفریحات سالم، ازدواج، انواع  
محرومیت‌ها و گرفتاری‌های اجتماعی - جوهره  
ستم‌هایی بر اثر اختلال‌های روانی عناصر  
حاکم نیست؛ از جمیعت، زنان و دختران - را  
به سختی رنج می‌دهد و بالاخره بیکار جوانان  
و دانشجویان در راه نیل به آرمان‌های خود،  
همه اینها در "آرمان" سهمی شایسته دارند.

نشریه "آرمان" با این شماره به دومین سال  
انتشار خود - در دوره سوم - کام می‌نهد. طی  
یکسال نویسندگان "آرمان" کوشیدند تا به  
آنچه در نخستین شماره دوره جدید به عنوان  
وظیفه این نشریه اعلام کرده بودند وفادار  
بمانند. خطوط اصلی این وظیفه عبارت بود از  
دفاع از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، مبارزه  
در راه آرمان‌های جوانان زحمتکش، دفاع از  
هنر و ادبیات و فرهنگ ایرانی و بازتاب  
فرهنگ مترقی جهان.

- وظیفه "دفاع از آزادی‌های سیاسی و  
اجتماعی" از همان آغاز با مفهوم وسیع خود در  
طیلی گسترده مورد نظر بود. این طیف که  
مبارزات مستقیم معطوف به استقرار آزادی  
های سیاسی و اجتماعی و رهایی از استعمار  
بیرحمانه و قطع فوری جنگ خانمانسوز کنونی  
در کانون آن قرار دارد، یک رشته از مباحث  
دیگر مرتبط با این مبارزات را نیز در برمی  
گیرد. چرا که برای مدافعان جوان آزادی‌های  
سیاسی و اجتماعی سؤمند است که در زمینه‌های  
سیاسی و ایدئولوژیکی به خطوط کلی مبارزات  
ضد استعماری خلق‌ها، به نبرد توده‌ها در راه  
صلح و سوسیالیسم وقوف یابند، به چشم  
اندازهای سوسیالیسم از سویی دیگر و به تیرگی  
های امپریالیسم از سوی دیگر نظر افکند، و در  
آنجا که به میهن ما ارتباط می‌یابد بویژه  
مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های ایران را  
از نزدیک دنبال کنند و فعالیت‌های سیاسی و  
سیاست‌های ارتجاعی - استبدادی خائنانه و  
فساد انگیز دولت جمهوری اسلامی را در

- و بالاخره وظیفه "دفاع از منر و ادبیات و فرهنگ ایرانی و بازتاب فرهنگ متمدنی جهان" را باید نام برد. که هدف آن بیش از هر چیز کمک به پرورش انسان ترازو - تقویت همبستگی های جهانی جوانان و آماده ساختن آنان برای آینده ای روشن است. در یک سالی که از انتشار "آرمان" گذشت، ما این وظایف را در مد نظر داشتیم. اما همه این وظایف که برشمردیم، در عرصه ملی و میهنی به یکدیگر می پیوندند و در خدمت یک رسالت بزرگ تاریخی قرار می گیرند که عبارت است از مبارزه رهایی بخش خلق های ایران در یک جبهه متحد، در راه برانداختن کامل و قطع

نفوذ امپریالیسم و تأمین آزادی های دموکراتیک و استقلال ملی و اقتصادی و پیشرفت های اجتماعی، رسالتی که در شرایط کنونی به صورت مبارزه متمرکز، هماهنگ و همه جانبه برای سرنگون ساختن رژیم استبدادی و ماورای ارتجاعی "ولایت فقیه" تبلور می یابد.

این وظایف در عین حال، در عرصه بین المللی و جهانی، بخشی از مبارزات جوانان جهان را در پیشبرد روند انقلاب جهانی تشکیل می دهد، انقلابی که شرایط تاریخی جهان امروز - گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم، به جهانی فارغ از جنگ و استثمار - در برابر نسل جوان معاصر قرار داده است.

#### جوانان عزیزا

اشتیاق و علاقه مفرط شما در برخورد با "آرمان"، طی این یک سال، نویسندگان این نشریه را در ادامه کار خود بیش از پیش دلگرم ساخته است. امیدواریم همکاری های گرانقدر شما به گونه ای فزاینده ادامه یابد، چندان که نارسایی های این نشریه در زمینه های گوناگون برطرف شود و این نشریه بتواند در طرح و بررسی مطالب اجتماعی، فرهنگی، هنری، علمی، ادبی، ورزشی و سرگرمی های درخور جوانان زحمتکش، و نیز در بازتاب کامل تر خبرهای جاری مربوط به زندگی و بیکار جوانان میهن مان بیش از پیش توفیق یابد.

به مناسبت سال جهانی صلح سال ۱۹۸۶



(۲)

## صلح و امپریالیسم

برای همه جهانیان جای افسوس است که ایالات متحد آمریکا پس از پایان جنگ دوم جهانی به جای آن که از همان زمان سنگاپای صلح جهانی را با همکاری متحدان زمان جنگ، استوار سازد و با استفاده از فرصت تاریخی و استثنای سالهای جنگ، در پاسخگویی به انتظار خلقهای زجر دیده جهان به خلع سلاح عموماً بپردازد، برعکس، همچنان بر طبل جنگ کوبید و با تکرار شعار "خطر شوروی" به تقویت ارتش و توسعه تسلیحات خود پرداخت، و به امتیاز صاحب انحصاری پمپ اتمی، سیاست معروف به "دیپلماسی اتمی" را در پیش گرفت. هنوز خاکستر شهرهای سوخته هیروشیما و ناگازاکی همچنان داغ و سوزان بود که پنتاگون نقشه بمباران اتمی شهرهای مهم شوروی را تدارک می کرد!

طبق برآورد کارشناسان استیتوهای پژوهشی، ایالات متحد آمریکا از سال ۱۹۴۲ تا سال ۱۹۷۵ یعنی طی مدت ۳۰ سال، ۲۱۵ باره گونه مستقیم یا غیرمستقیم برای تجاوز به کشورهای دیگر وارد عمل شد. در کارآنان به نیروهای مسلح خود متوسل شده است. مسلماً استفاده از سلاح هسته‌ای تاکنون ۱۹ بار در دستور نظامی واشنگتن قرار گرفته است. از دسامبر ۱۹۴۵ تا فوریه ۱۹۷۲، به استثنای فقط ۲ سال سریازان و هواپیماها و کشتی‌های آمریکا هر سال در مناطق مختلف جهان، از جمله در گواتمالا، لبنان، کوبا، هندوچین، دومیکن، تیلی و بسیاری کشورهای دیگر تجاوز کرده اند. آمریکا بیش از ۱۵۰۰ پایگاه و تأسیسات نظامی در ۳۲ کشور جهان دارد که در آنها متجاوزان نیم میلیون سرباز آمریکایی استقرار دارند. نیروی به نام "واحد های گسترش سریع" که برای تجاوز مسلحانه به هسر بخش از جهان و سرکوب جنبش‌های رهایی بختر ملی آماده می دارند، اینک به ۱۵۰/۰۰۰ تن بالغ می شود.

در همان سالهای ۱۹۷۰ که مذاکرات میان آمریکا و شوروی بر سر محدود کردن تسلیحات استراتژیک جریان داشت، از جانب آمریکا و متحدان او در ناتو، برنامه‌های بلند مدت برای گسترش دامنه تسلیحات هسته‌ای و غیر آن تدوین شد و میلیاردها دلار هزینه‌های نظامی این دولت‌ها افزوده شد. در دسامبر ۱۹۷۹ آمریکا و متحدان آن شوروی را تشدید تأسیساتهای جدید موشکهای آمریکایی دارای برد متوسط را در کشورهای اروپای غربی - آلمان فدرال، انگلستان، هلند، بلژیک و ایتالیا - مستقر کنند. در واشنگتن طرحهایی برای ایجاد جنگهای اتمی به اصطلاح "محدود" تهیه شد.

برنامه تسلیحات حکومت ریگان همه امکانات راد پژوهش‌های مربوط به ساخت سلاحهای استراتژیک و نوترونی و شیمیایی و پاکتیولوزیک و انواع موشکهای برد متوسط و سلاحهای کلاسیک و نظامی کردن فضا در برمی گیرد. شایان ذکر است که قدرت تخریبی هر یک از موشکهای بالیستیک



قاره بیما معادل ۱۶۷ برابر می است که بر هیروشیما فرو افتاد و آن را نابود کرد. ایالات متحد آمریکا آنقدر در اروپا سلاحهای هسته ای متمرکز کرد است که قادر است ۱۰۰۰ بار بیش از بمباران هیروشیما مصیبت به بار آورد. آمریکا از آن جهت اروپا را به منزله پایگاه حملات اتمی خود به شرق اختیار کرده است که تصوری کند گویا خود درین راه اقیانوس از حملات متقابل اتمی در امان خواهد ماند.

طبیعی است که اتحاد شوروی نسبت به متمرکز شدن سلاحهای هسته ای در آمریکا و اروپا در آبهای مجاور سرزمین خود بی تفاوت نماند و برای مقابله با این تهدیدها اقدامهای لازم به عمل آورد.

حکومت ریگان همچنین به ساختن و انبار کردن سلاحهای نوترونی و شیمیایی و باکتریولوژیک با مقیاس وسیع ادامه می دهد و در حالی که پیشرفته سلاحهای شیمیایی را سلاح دفاعی خود و نمود می کند، تاکنون به ضد بسیاری از کشورهای آنها را به کار برده است. این گونه سلاحها به علامت "ساخت آمریکا" بارها در افغانستان و السالوادور به کار افتاده و هم اکنون در پایگاههای این کشور در خاک انگلستان و ایتالیا و کشورهای دیگر بمب های هوایی و خنجرهای توپخانه مجهز با انواع بارهای شیمیایی برای مقاصد تجاوزکارانه بعدی انبار شده است. گفتنی است که آمریکا برای کاربرد سلاحهای نوترونی و شیمیایی از آن جهت اهمیت خاص قایل است که با این سلاحها انسانها نابود می شوند اما منابع شریعت انهداست نخورده و قابل استفاده برای غارتگران امپریالیست باقی می ماند.

آمریکا برای تشریح خود در ساخت سلاحهای نوترونی و شیمیایی، اتحاد شوروی را به استفاده از این گونه سلاح هائهم می کند، که گویا گاز شیمیایی بوسیله شوروی در افغانستان و جنوب شرقی آسیا به کار رفته است. در حالی که نه تنها تحقیقات دقیق کارشناسان ناتو رویتنام و پاکستان این ادعا را رد می کند، بلکه دولت شوروی، برخلاف آمریکا، عقیده دارد که این گونه سلاحها اساساً نباید روی کره زمین وجود داشته باشد. پیشنهاد این دولت در دو زمین نیست و بزرگ مجمع عمومی سازمان ملل در باره خلع سلاح (۱۹۸۲) یک بار دیگر این حقیقت را تأیید می کند که این خود آمریکا است که بنا بر گواهی هزاران قربانی جنگ شیمیایی در ویتنام از جمله آمریکایی ها این سلاحها را وسیعاً به کار برده است.

چنانکه می دانیم در سالهای اخیر مسئله "جنگ ستارگان" یعنی کشاندن دانش تسلیحات اتمی به فضا و نظارت کردن آن، بر و خاتم وضع بین المللی بی افزوده و خطر نابودی انسان را حادث تر و فوری تر و جدی تر ساخته است.

ریگان رئیس جمهور آمریکا در ۲۲ مارس ۱۹۸۲ در یک سخنرانی تلویزیونی پیشنهاد کرد که کارشناسان و طراحان نظامی - فضایی آن کشور یک سیستم تسلیحات فضایی به وجود آورند که برای استفاده های نظامی در اختیار پنتاگون قرار داشته باشد. این طرح در مطبوعات عنوان "جنگ ستارگان" یافت.

ایالات متحد آمریکا در حقیقت امکان استفاده از فضا را از همان سال ۱۹۴۹ مورد توجه قرار داد و نیز از همان سال ۱۹۵۸ که نخستین ماهواره خود را به نام "اسپلور" به مدار زمین فرستاد در فکر تدوین نظامی کردن فضا بود. در سال ۱۹۶۰ یکی از مسئولان پنتاگون صریحاً فاش کرد که انگیزه تلاش برای دستیابی به فضا نه کشف اسرار آن، بلکه بررسی مسئله نظامی کردن فضا و

استفاده از آن برای عملیات نظامی است .  
 " طرح " ابتکار دفاع استراتژیکی " یا " جنگ ستارگان " بنا بر نوشته مطبوعات د و مرحله راد ر بر سر  
 می گیرد . مرحله نخست اجرای برنامه‌های است متضمن استقرار بیش از یکصد ماهواره که هر یک به  
 سیستم‌های متفاوت " رد یاب " و " گزارش دهنده " مجهز هستند . مرحله دوم " بخشش تله‌گذاری " و  
 " حمله " است که مشتمل بر استقرار یک رشته ادوات وسیع‌های پیچیده زمین و فضایی است  
 که با اسلحه لیزر و توتوهای الکترونیک و غیره کار می‌کند و می‌تواند هدف‌های ثابت و متحرک زمینی ،  
 دریایی ، هوایی و حتی فضاپی رانان بود کند . از این قرار مباران اتسی کره زمین از فساد برنامه  
 وزارت " دفاع " آمریکا - پنتاگون - و در سرلوحه وظایف معطوف به تدارک جنگ قرار گرفته  
 است !

گسترش فزاینده چنین خطری نه تنها کشورهای د رگیرد و جنگ ، که همه جهان و تمدن  
 آن رابه ناپودی تهدید می‌کند .

## صلح و کشورهای در حال رشد

خلع سلاح برای کشورهای در راه رشد يك ضرورت حیاتی است . در سالهای اخیر  
 مسابقه تسلیحات به يك پدیده عمومی جهانی تبدیل شده است . سیاست امپریالیسم آمریکا  
 همه کشورهای در حال رشد را ، در آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین - به مدد ارماسلحه مرکباً تسلیحاً  
 کنایده است . گسترش دامنه تسلیحات در این کشورها به سرعت شدت می‌یابد . هزینه‌های  
 تسلیحات این کشورها از ۱۱/۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۶۰ به ۷۷/۵ میلیارد دلار در سال  
 ۱۹۸۰ افزایش یافته ، یعنی در ظرف ۲۰ سال ۷ برابر شده است . طبیعی است که این گرایش  
 به نهایت خطرناک رانه می‌توان با تصور روحیه " تنها جمی " و نه با سیاست " تروریستی " این کشورها  
 چنان که ریگان و د آرود سته او وانمود می‌کنند ، توجیه کرد . کشورهای در حال رشد غالباً منجبرند  
 استقلال و آزادی خود را از طریق جنگهای خونین و طولانی به ضد ارتش‌های تابین دند ان مسلح  
 امپریالیست هابعد ست آوردن و حفظ کنند . آنان برای پیروزی یافتن بر این نیروها ناچار باید ارتشهای  
 مجهز و مسلح خود رابه وجود آورند و تقویت کنند . با این همه حکومت‌های برخی از کشورهای با اصطلاح  
 " جهان سوم " که در بد اسیانست امپریالیستی آمریکا و متحدان آن قرار گرفته‌اند سرزمین خود رابه  
 پایگاه جنگی آمریکا و به انبار اسلحه این کشورها در مقابله با ارد و گاه سوسیالیسم و سرکوب جنبش‌های  
 رهایی بخش ملی قرار داده‌اند . برخی از این دولت‌ها در اجرای برنامه‌های منطقه‌ای امپریالیسم  
 جنگ طلب ، آند اسلحه و مهمات و وسایل نابودی و ویرانی در کشور خود متمرکز کرده‌اند که از مقامد  
 به اصطلاح " دفاعی " آنها بسیار فراتر می‌رود .

کارشناسان نظامی پنتاگون - و در حقیقت حکومت آمریکا - بسیاری از مناطق جهان از جمله کانال  
 پاناما ، تنگه هرمز ، تنگه مالاکا و نقاط استراتژیک دیگر را مناطق " منافع حیاتی ایالات متحد آمریکا "   
 قلمداد می‌کنند . معلوم نیست چه کسی به آمریکا اجازه داد است که سرزمین‌های کشورهای دیگر  
 را قلمرو " منافع حیاتی " خود بداند ! باری ، همه این جریانها کشورهای در حال رشد را وارد ارگرد  
 است که به توسعه ارتش‌های خود بپردازند و منابع هنگفت ثروت ملی و نیروی خود رابه جای بهبود

شرایط اقتصادی واجتماعی، برای خرید تسلیحات ونگاهداری و توسعه ارتش مصرف کنند.  
 گسترش تسلیحات در کشورهای دزراه رشد برای صنایع تسلیحاتی امپریالیسم و منحصص های  
 نظامی - صنعتی آنها اسان ترین، سود مند ترین و بهترین وسیله غارت ثروت ملی این کشورها  
 است. کمپلیکس های نظامی - صنعتی آمریکا که عملا بر ایالات متحد آمریکا حکومت می کنند و  
 شخص ریگان نمایندگی آنان را عهده دار است، از راه تولید سلاحها و بازگانی آن بزرگترین  
 سود هایی که در تاریخ غارتگری انحصارها بیسابقه است به دست می آورند. در حقیقت تجارت  
 اسلحه به يك شکل استعمار نو استعماری مبدل شده است.

کشورهای دزراه رشد، چه آنها که از میراث استعمار کهنه و تسلط روز افزون استعمار نو همچنان  
 رنج می برند، وجه آنان که در دربار رشد غیر سرما به داری و ساختن سوسیالیسم قرار گرفته اند،  
 پیش از هر چیز به صلح و به خلق سلاح نیاز دارند. در مورد این دو مسئله اساسی زمان ما، منافع  
 کشورهای دزراه رشد با منافع و مایه اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی انطباق  
 کامل دارد. اعلامیه سیاسی ششمین کنفرانس سران کشورهای غیر متعهد در دهللی - پاریس  
 ۱۹۸۲ - که آرزوها و اندیشه های عمیق خلقهای کشورهای در حال رشد را برای دستیابی به  
 خلق صلح و تمامین صلح جهانی بیان می کند، با منافع مشترک کشورهای سوسیالیستی در  
 اساس مطابقت می کند:

صلح برای کشورهای دزراه رشد، شرط لازم برای از میان بردن همه آشکار  
 استعمار و عقب ماندگی های اقتصادی و سیاسی واجتماعی است، و برای کشورهای سوسیالیستی  
 نیز شرط لازم برای شکوفایی سوسیالیسم و فرا روی آن به مرحله عالی تر کمونیسم - روز نشق  
 روز افزون اقتصادی واجتماعی و فرهنگی این جهان جدید است.

ادامه دارد

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

سلاحهای شیمیایی برای چند بار نابود کردن  
 بشریت موجود است!

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

آمریکا خود را برای جنگهای شیمیایی نیز آماده  
 می کند. در حالی که هم اکنون ایالات متحد  
 معادل ۵۵۰/۰۰۰ تن مواد خیلی سمی و  
 ۱۵۰/۰۰۰ تن تجهیزات شیمیایی دارد، که

با آن می توان چندین بار موجودات زنده روی  
 کره زمین را نابود کرد، ریگان بر آن است که با  
 صرف ۱۰ میلیارد دلار دیگر تجهیزات  
 شیمیایی را به چند میلیون تن برساند!



## هر پنج متس، یک موشک نوترونی

ریگان خیلی سریع و قاطع تصمیم گرفت  
 کنترل صنعتی سلاح "نوטרونی" این وسیله  
 جدید کشتار انسان را گسترش دهد. بهانه این  
 بود که چنین سلاحهایی را برای دفاع در برابر  
 تانکهای شوروی می سازند. طبق برنامه باید  
 جمعاً ۵۰۰/۰۰۰ نوترون از این موشکهای  
 به اصطلاح ضد تانک ساخته شود. حال اگر  
 این موشکها را در رسارسر جبهه های زمینی  
 غرب شوروی سازد ریای سیاه تا کرانه های دریای  
 آدریاتیک - روی زمین بچینند، در هر پنج  
 متس یک موشک قرار خواهد گرفت ۱ هزاران  
 هلیکوپتر هوا پیمای و هوا هزار مین و سایر  
 سلاحهای ضد تانک که "ناتو" به آنها  
 مجبوس است هنوز به حساب نیامده است!



### در جستجوی پناهگاه

چند سال پیش یک هیئت ژاپنی برفراز جزایر سلیمان واقع در اقیانوس آرام به پرواز درآمد و تراکت هایی بپروزی این جزایر فروخت که در آنها اعلام می شد جنگ دوم جهانی پایان یافته است!

این تراکت ها خطاب به سربازان ژاپنی بود که در جریان جنگ از ترس سربازان اتمی امریکا گریخته و به جنگل ها پناه برده بودند.

اما اگر امروز جنگ اتمی درگیر دیگر برای مصون ماندن از عوارض شوم آن پناه بردن به جنگل سودی نخواهد داشت. نه در جنگل های انبوه، نه در جزایر دور افتاده، نه بر قتل کوه ها و نه در بیابان های بی آب و علف چنین پناهگاهی را نخواهید یافت!

### میمون پژوهشگر

در موزه لنین واقع در کرملین مجسمه کوچکی بپروزی میمونی را می بیند که روی کتاب های داروین نشسته و جمجمه انسانی را مطالعه می کند. این مجسمه را یکی از دولتمردان آمریکایی در سال ۱۹۳۲ به لنین هدیه کرده است. لنین یادیدن این هدیه گفت که این میمون و جمجمه انسان در نظر او بسیار سمبولیک می نماید. چرا که در هر جنگ جدید سلاح های بی مغرب تر به کار می افتد و اگر بشریت نتواند در صلح به سربرد، لاجرم روزی فرا خواهد رسید که مصیبت یک جنگ ویرانگر تمدن انسانی را نابود خواهد کرد و میمون هایی که احیاناً پس از جنگ باقی می مانند جمجمه انسانی را که یافته اند با کنجکاو و ارس می کنند که بدانند چیست و از کجا آمده است!

این سخنان که ۶۳ سال پیش بیان شده است، در شرایط کنونی جهان که در زرادخانه های کشورها، توده های عظیم سلاح های کشتار جمعی انباشته شده است، اهمیتی خاص می یابد. چرا که در حال حاضر به ازای هر یک نفر از ساکنان کره زمین معادل ۱۵ تن مواد منفجره ذخیره شده است و هرگاه همه سلاح هایی که در جهان انبار شده همزمان به کار افتد کره زمین به ستاره ای مرده چون کره ماه تبدیل خواهد شد!

**جوانان! برای استقرار صلح پایدار بروی زمین مبارزه کنید!**

## چرا نوروز همچنان زنده است؟

نخستین "چهارشنبه سوری" پس از انقلاب بود. بچه های محله در کوچه آتش افروخته بودند. فریاد های هیجان و شادمانی، برخاسته از شور انقلابی جوانان دیوار های کوچه را می لرزاند. هرکس هرچه سوختنی سراغ داشت می آورد و در شعله ها می افکند. دوسه متشرع مقدس مآب که هر سوسر می کشیدند، لاله الله گویان به نسبی از متکر پرداختند، که با فریاد های جمعی "های، های، ایثار و بیین!" از صحنه گریختند و رفتند تا برای حفظ "شعائر اسلام" پاسدار ها را خیر کنند.

پاسداران تهدید کنان سر رسیدند. بچه ها بوته های آتش و هیزمهای شعله ور را برداشتند و به هر سو دویدند. گل های آتش سراسر کوچه ها و خیابان مجاور را فسرش کرد و جوانان را به گرد خود فرا خواند. پاسدار ها در یخشان آمد در چنین فسرستی از شادمانی جوانان هم سن و سال خود بهره نگیرند. تیراندزی های هوایی در تنگانی از پاکبویی و دست افشانی، وجست و خیز ها بر روی آتش که "سرخي تراز من، زردی من" از تو" رهس "تاشق زن" های نقاب پوش که از تاریکی به روشنایی راه می یافتند، همصه اینها صحنه ای فراموش نشدنی از مراسمی در خور استقبال از "جشن خجسته نوروز" پدید آورده بود.

چرا نوروز همچنان زنده مانده است؟ چه شده است که این جشن باستانی ملی ما طوسی اعصار و قرون از لابلای ویرانه ها و آوار های هزاران ساله تاریخ همچنان بر قرار مانده و در برخورد با هر تنگان نیرومند زمانه، نیرومند تر و شکوفا تر سر بیرون کرده است؟ به این دلیل که نوروز نشانه ای از نوزادی طبیعت و فرا رسیدن بهار است، به این دلیل که در دیربایی تمدن ایران ریشه گرفته است، به این دلیل که سنت باستانی است، به این دلیل که با طبیعت ما قرین است و به این دلیل که جلوه ای از دیالکتیک طبیعت و زندگی است.

---

## متحداً برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم!

---

## فعالیت سیاسی در مدارس آزاد باید گردد!

یکی از اهداف عمده ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در نظام آموزشی کشور، تربیت انسان‌هایی آگاه، انقلابی، پایبند به منافع زحمتکشان جامعه، منظم، منضبط و مسئولیت‌شناس است. شرط اولیه چنین شکوفایی و رشدی، ایجاد فضایی آکنده از آزادی‌های دموکراتیک در مراکز آموزشی است.

به همین دلیل بود که بلافاصله پس از پیروزی انقلاب، تلاش برای تبدیل مدارس به کانون برخورد آزادانه آراء و عقاید در دستور روز سازمان‌های انقلابی از جمله سازمان جوانان توده ایران و کانون دانش‌آموزان ایران قرار گرفت.

دانش‌آموزان مهین ما هنوز آن دوران شکوفایی را به یاد دارند که سازمان‌های مترقی دانش‌آموزی در مدارس فعالیت می‌کردند و با پخش نشریات انقلابی بذراکامی را در میان توده دانش‌آموز می‌افشانند. نایستگاه‌های کتاب، پوستر و عکس برچا می‌گردید، سخنرانی‌های آموزنده ترتیب داده می‌شد و هر کس در پراز عقاید خود آزاد بود. به برکت همین فعالیت‌های روشنگرانه، نیروهای ترقیخواه موفق شدند با بسیج توده دانش‌آموز مدارس را دولتی کنند، شهریه‌ها را لغو کنند، کام‌هایی در جهت تقسیم عادلانه امکانات آموزشی بردارند، در مراکز آموزشی شورا و تعاونی تشکیل دهند، فعالیت‌های فوق برنامه را سازمان دهند و نطفه‌های اولیه انجمن‌های صنفی را در مدارس بوجود آورند.

اما این روند، به علت فرمانروایی سیاست ارتجاعی رژیم از جمله در زمینه آموزش و پرورش نه تنها تعیین نشد، بلکه راه بازگشت را طی کرد. یکنال و اندی پس از پیروزی انقلاب، مسئولان وزارت آموزش و پرورش پا در جای پای رژیم پهلوی گذاردند و روح مرده پخشنامه سال ۱۳۲۷ اقبال، وزیر فرهنگ آریامهری را زنده کردند که در آن اعلام شده بود: "در محیط آموزشگاه‌ها نایستی به هیچوجه فعالیت سیاسی وجود داشته باشد".

امروزه دیگر در مدارس اثری از آن سنت‌های دموکراتیک ابتدای پیروزی انقلاب دیده نمی‌شود. سازمان‌های مترقی دانش‌آموزی هدف پرورش و سرکوب قرار گرفتند و فعالان جنبش دانش‌آموزی از پشت میز مدارس روانه سپاه‌چال‌های ج.ا. و میدان‌های تیرشده می‌شوند. بسیاری دانش‌آموزانی که به چرم‌هوداری از انقلاب و دگراندیشی از درس و تحصیل محروم گردیده و یا در شکنجه‌گاه‌ها زیر شکنجه‌های قرون وسطایی قرار می‌گیرند، چو تفتیش عقاید و خبرچینی بر مدارس حکمفرماست. عناصر رژیم در مدارس حتی خارج از مدارس نیز دانش‌آموزان را تعقیب کرده و تحت نظر می‌گیرند.

دانش‌آموزان آگاه و مبارز!

ایجاد این همه موانع هولناک بر سر راه فعالیت‌های سیاسی دانش‌آموزان و خاموش ساختن هر ندای آزادیخواهانه در مدارس،

## ژاپن: دوزخ آزمون

انسانی، آرامش ضروری زندگی، همه و همه با این فرهنگ دوزخی بیگانه است. از این رو است که طراحان "فرهنگ انبوه" به منظور ارضای حواص روانی جوانان به تولید و رواج انواع نشریات و کتب مبتذل "کمیک"، فیلم های جنایی و جنسی و غیره می پردازند، و نسلی عصیان گر تربیت می کنند.

## به یاری خانواده های

## زندانیان سیاسی

بشتاییم!



بیانگر مراسم رژیم از آگاهی ارتش ۱۱ میلیونی دانش آموزان است. متحد شوید، این موانع را از سر راه خود کنار بزنید و هیات حاکمه را در نیل به اهداف پلیدش ناکام سازید.

فعالیت سیاسی حق شماست، با قشرده تر ساختن صفوف خود گرداگرد نیروهای انقلابی در راه بدست آوردن این حق مبارزه کنید! با شیوه های مختلف و با رعایت اصول مخفی کاری، سیاست رژیم را در میان همکلاسی های خود افشا نمایید!

کارزار گسترده برای آزادی هم مدرسه ایهای دریند خود براه اندازید و به خانواده آنان یاری رسانید!

ما همچنین از کلیه سازمان های مترقی و انقلابی دانش آموزی و دانشجویی دعوت می کنیم گرد هم آیند و با طرح برنامه ای مشترک به آگاه سازی دانش آموزان بپردازند و مبارزات این توده عظیم را سازمان دهند، باید مدارس را نیز به یکی از سنگرهای مبارزه علیه رژیم ضد مردمی "ولایت فقیه" تبدیل کرد، پیروزی در این پیکار در گروی اتحادی مستحکم است.

## هشتم مارس، روز جهانی زن

آزاد را به بند می کشند، هزاران زن و دختر جوان به جرم آزاداندیشی و اقدام در جهت آزادی میهن و مردم، در زندان های رژیم اسپرند، حاکمان ج.ا. از همه وسایل اعم از تبلیغات عوام فریبانه، تهدید، سرکوب و کشتار برای تثبیت پایه های قدرت و برقراری شیوه زندگی مورد دلخواه خود در جامعه استفاده می کنند. اما مقاومت مردم و به ویژه جوانان پرشور و انقلابی سد راه و خارچشم مرتجعین است.

می توان و باید برگزاری روز هشتم مارس را به سلاح مبارزه علیه این رژیم قرون وسطایی میدل کرد.



## سال جهانی جوانان دو نظام، دو برخورد

کمیته های تابعه در برگیرنده طیف وسیعی از امور سازمانی، فرهنگی و مالی است. تمام این کارها در سطوح مختلف محلی ملی و منطقه ای اجرا می شوند. این فعالیتها با هدف گسترش نقش مردان و زنان جوان در زندگی کشور افزایش سهم آنان در ساختمان سوسیالیسم و تشدید فعالیت سازمانهای جوانان ما در صحنه بین المللی صورت می گیرند.

یک گردهمایی منطقه ای از جوانان برخی از کشورهای آسیای جنوبی و منطقه ایفانوسرام در رابطه با مسایل مربوط به صلح و امنیت بین المللی بنا به کار اتحادیه جوانان انقلابی مغولستان در اوت ۱۹۸۴ در اولان باتور (پایتخت مغولستان) برگزار شد. یک نشست فرانس-سراسری علمی و عملی در رابطه با امور زشر جوانان یک فستیوال سراسری ترانه های سیاسی

سی و چندین گردهمایی و مسابقه ورزشی بین المللی نیز در سال ۱۹۸۵ برگزار خواهند شد. رسانه های گروهی که در وسیعاً اهداف و وظایف سال جهانی جوانان را منحصر می کنند و فعالیتهای تدارکاتی و کارهای انجام شده را در داخل و خارج کشور منتشر می کنند. ستونهای مربوط به این امور در مطبوعات مرکزی و نشریات جوانان درج می شوند و برنامه های ویژه ای از رادیو و تلویزیون پخش می شوند.

برگزاری نمایشگاهی در مورد نقش جوانان مغولستان در ساختمان سوسیالیسم، شرکت آنها در زندگی اجتماعی سیاسی کشور و در جنبش بین المللی جوانان در مکررات انتشاراتی در مورد نسل جوان مغولستان به زبان های مختلف مختلف، تهیه فیلم، چاپ یک سری تمبر، کارت پستال پوستر به مناسبت سال جهانی جوانان

همانگونه که خوانندگان ما مطلعند سازمان ملل متحد در سی و چهارمین اجلاس مجمع عمومی خود در سال ۱۹۷۹، ۱۹۸۵ را بعنوان سال جهانی جوانان با شعار "مشارکت و صلح" اعلام داشت. در کشورهای مختلف به مناسبت برنامه هایی جهت بزرگداشت سال جهانی جوانان و تحقق شعارهای آن تدوین و اجرا شد. مسلماً نحوه تدوین و اجرای این برنامه ها و محتوا و سنگینی آنها تماماً با ماهیت نظام حاکم بر کشور پیوند دارد. از این رو ما به منظور افشای یک گوشه دیگر از ماهیت جوان ستیزانه نظام جمهوری اسلامی به یک مقایسه ساده و روشن بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق مغولستان در این مورد دست زدیم. حال بهتر است به سخنان دست اندرکاران و کشورهای گویند هیم.

### جمهوری خلق مغولستان

ناحصرای عضو هیئت سیاسی دبیر کمیته مرکزی حزب و دبیر کمیته ملی تدارکات و برگزاری سال جهانی جوانان؛ "کمیته ملی تدارکات و برگزاری سال جهانی جوانان مدتها پیش تشکیل شده این کمیته شامل رهبران حزبی، دولتی و سازمان های عمومی دانشمندان و مدققین و فرهنگیان سرشناس و نمایندگان جوانان از اقشار مختلف است. برای کمک به کار این کمیته، هیئتهای دیگری در سطح شهر ها و روستاها، وزارتخانه ها و آسایشگاهها تشکیل شده. کمیته ملی و دیگر کمیته های تابعه بر اساس برنامه ویژه کبیرای دوره ۱۹۸۵-۱۹۸۲ تدوین شده بود، کار خود را آغاز کرد و فعالیتهای برنامه ریزی شده توسط کمیته ملی و



همه در برنامه امسال قرار دارد. به منظر بزرگداشت این رویداد مهم یک حرکت عظیم سوسیالیستی در میان فارگزان، دامداران، دانشجویان و دانش‌آموزان جوان سازمان داده شده است. مسابقات خلاق بین نویسندگان آثار تخیلی، نمایشنامه و شعر و هنرگمازان ترتیب داد خواهد شد.

در برنامه کمیته ملی به مسائل مربوط به توسعه و تحکیم تسهیلات فرهنگی و آموزشی برای نسل جوان بسیار اهمیت داده شده است. قرار است بیش از صد پروژه احداث شوند از جمله یک خان جوانان در ازلان با تمر چندین باسگاه جوانان مراکز ورزشی و آموزشی و باشگاه‌های فنی در برخی از شهرها و روستاها همچنین مراکز ورزشی و تفریحی و استخر سر پوشیده در باسخت و یک منطقه استراحت و بازی برای جوانان. به علت خصوصیات کشورمان، بهبود زندگی و شرایط کار جوانان روستایی بسیار مورد توجه است. در چارچوب سال جهانی جوانان، یک بررسی جامع جهت اطلاع دقیق از تعداد جوانان روستایی ترکیب اجتماعی تسهیلات زندگی، گرایشهای رشد، حوایج و نیازهای ساکنین روستاها انجام خواهد شد. در این کار نیز ما قاطعانه از اصل مشارکت مستقیم و فعال سازمانهای جوانان و خود زنان و مردان جوان در امر تدارک و برگزاری سال جهانی جوانان از اصل تشویق و حمایت از ابتکارات و استقلال آنها پیروی می‌کنیم.

مجله مغولستان، شماره ۲، ۱۹۸۵

## جمهوری اسلامی ایران

دکتر احمد بیانی مسئول کمیته برگزاری سال جهانی جوانان در ایران  
کمیته برگزاری سال جهانی جوانان از شش ماه مانده به آغاز سال ۱۹۸۵ یعنی سال

جهانی جوانان، در کمیسیون ملی یونسکو در ایران تشکیل و اعضای آن انتخاب شد و پس از تشکیل جلسات متعدد تا کنون توانسته است ۱۲ برنامه ویژه تهیه و برای آنها را به سازمانهای زیربسط توصیه نماید.

همچنین با شرکت دادن داوطلبان ایرانی در بورسهای آموزشی سایر کشورها به مناسبت سال جهانی جوانان اختصاص یافته است و انتشار نشریه و پوستر سعی کرده است، در برگزاری سال جهانی جوانان همگام با سایر جوامع بشری در جمهوری اسلامی ایران نیز اقداماتی به عمل آید. همچنین با اقدام این کمیته، مورد توجه ویژه برای جوانان تخفیف داده شده است. در این زمینه کتاب راهنمایی ویژه‌ها از طرف وزارت ارشاد و در هماهنگی با اقدامات کمیته، برگزاری سال جهانی جوانان منتشر شده است. ۱۰۰ اقدام کمیته با فعالتهای بازر هم بیشتر که تحت شعار سال بین المللی جوانان فرصتی برای اندیشیدن در باره، فردای بهتر که آغاز کرده است، بتواند در گستر فراگامی جوانان کشورمان از مسائل بین المللی و تفریب آنان برای اقدام در جهت تفاهم بین المللی مؤثر واقع شود. سید احمد رهانی معاون پرورشی وزارت آموزش و پرورش طی گفتگویی در پاسخ به این پرسش که امسال از سوی یونسکو سال جوانان و جوانان اعلام شده است و وزارت آموزش و پرورش با توجه به این که بیش از ده میلیون دانش‌آموز دارد و همه آنها نوجوان و جوان هستند، چه برنامه‌هایی در این زمینه تدارک دیده است، گفت:

وزارت آموزش و پرورش هیاتهای مسئول از امر تربیتی و تربیت بدنی را جهت شرکت در گنگرامی که به همین مناسبت در نیمه دوم اردیبهشت ماه در پکن برگزار می‌شود، اعزام کرده تا در تنظیم و ارسال مقاله‌هایی

را توصیه می کنند، آنهاست اندیشیدنی بدون  
نارمایی که بیشتر به مسئولین برای تفراتی مالیخو  
لیایی سباحت دارد.

آری، برنامه های سازنده و موثر و مفید مقامات  
جمهوری خلق مغولستان ریشه در ماهیت  
مردمی آن نظام دارد و برنامه های خویشی  
و تشریفاتی مقامات جمهوری اسلامی ایران از  
ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی این نظام نشأت  
می گیرد.

## زنده باد

همبستگی بین المللی

دانشجویان جهان!



مناسب در زمینه مسایل نوجوانان و جوانان  
از دیدگاه اسلام برای محافل بین المللی  
تصییر اقدام نمایند.

موضوع دیگری که برای سال نوجوانان و جوانان  
در نظر گرفته شده است، مسابقه تربیتی، هنری  
و فرهنگی است.

یکی دیگر از برنامه های پرورشی وزارت آموزش و  
پرورش به مناسبت گرامی داشت سال نوجوانان و  
جوانان فعال کردن اردوهای ناپستانی است.  
از مفایسه گفته های مقامات دولتی و دانشوران، نتایج پر  
معنایی بدست می آید، اما این مفایسه را بی  
خوانندگان خود واگذار می کنیم و تنها به ذکر  
چند نکته در مورد برنامه های جمهوری اسلامی  
در مورد سال جهانی جوانان، اکتفا می کنیم.  
انتظار مطالب به سال جهانی جوانان تنها به  
همین چند روز محدود می شود و در دیگر روزها  
ی سال هیچ خیر و اثری از این امر در میان  
نیست. دلیل انتشار همین چند مطلب و پسا  
تصویب اعلام سال ۱۳۶۶ به عنوان سال جهانی  
جوانان از سوی هیات دولت، همانطور که  
خودشان اعتراف در بیانند، فقط برای آنست که  
بتوانند گزارشی به سازمان ملل و یونسکو ارائه  
کنند. برنامه های کمیته برگزاری سال جهانی  
جوانان که مضمون آن منتشر شده، در حدود  
پیشنهاداتی که بر تاثیر خواهد بود.

سردت در کرد همایی جوانان در چپن صلحا  
تنهاییه دنبال اهداف تبلیغاتی بدون محتوا  
بوده و ارتباطی با مسائل جوانان ندارد.

در مورد مهم ترین رویداد مربوط به جوانان  
در سال جهانی جوانان، یعنی فستیوال جوانان  
نان در مسکو، مطلقاً سکوت شده و هیچ اقدامی  
در این جهت به عمل نیامده است.

در حالیکه جوانان ما تشنه اقدامات عملی در  
جهت حل معضلات عمیق اجتماعی مانند جنگ  
خفگی و بیماری، بیدادی، فقر و غیره هستند،  
سازمان جهانی جوانان تنها اندیشیدن

## به یاد ارنانی



تاسود گردش اوضاع وطن براین دور  
دشمن مردم پهر بهره و مردم بی برگ  
میران یاد ارنانی را در محبت جور  
میران یاد سیامک را بر چوبه مرگ

رفیق تقی ارنانی در شهریور ۱۲۸۱ در تبریز دیده به جهان گشود. آموزش متوسطه خود را در سال ۱۲۹۹ در مدرسه دارالفنون تهران به پایان رساند و در سال ۱۳۰۱ عازم آلمان شد و در رشته شیمی به ادامه تحصیل پرداخت. وی در همین سالها با بلهیان بین مارکسیسم-لنینیسم آشنا شد. در سال ۱۳۰۹ به ایران بازگشت و بعد رنگ به سازماندهی اعتصاب و تظاهرات دانشجویی پرداخت. جنبش دانشجویان شرقی و دمکراتیک ایران میتواند بر خود بیابد که ارنانی فعالیت اجتماعی خود را در این زمینه آغاز کرد.

در سال ۱۳۱۱ مجله دنیا را بنیاد گزارد. این مجله برای نخستین بار توانست در پوشش صرفا مسائل طمی فرهنگی و اجتماعی به طرح و تبلیغ اندیشه های مارکسیستی در ایران بپردازد. (کارید که پس از ارنانی ادامه دهندگان راه و مکتب او بدان دست زدند) رفیق ارنانی در مدت بسیار کوتاه در میان دانشجویان و روشنفکران محبوبیتی خاص پیدا کرد. انتشار طمی مجله دنیا در آن زمان که تقریباً ده سال از تعطیل ارگانهای مطبوعاتی حزب کمونیست و اتحادیه های کارگری در ایران می گذشت اهمیت فوق العاده داشت. از شماره ششم به بعد مجله دنیا ارگان رسمی حزب کمونیست ایران شد. در صفحات مجله آثار ارزنده اش نظیر "عرفان و اصول مادی"، "بشر از نظر مادی"، "ماتریالیسم دیالکتیک"، "جبر و اختیار"، "زندگی و روح هم مادی است" و... به چاپ رسید. تا اواسط سال ۱۳۱۴ در مجموع ۱۲ شماره از مجله دنیا منتشر شد.

استقبال گرم جوانان و دانشجویان از "دنیا" رژیم دیکتاتوری رضا خان را بوحسنت انداخت و از انتشار آن جلوگیری کرد.

در سال ۱۳۱۶ دکتر ارنانی و گروهی از همزمانش دستگیر شدند. رژیم جبار رضا خانسی با برپائی محاکمات فرمایشی، ارنانی و یارانش را به حبس های طویل المدت محکوم کرد. ارنانی را آدمکشان رضا شاه در ۱۴ بهمن ۱۳۱۸ در زندان بطریق فجیعی به قتل رساندند. از شهادت قهرمانانه ارنانی بعداً آرزوی جزعدهای از همزمان و خویشان و بستگانش کسی خبردار نشد. اما پس از گذشت کمتر از دو سال، رضا شاه مجبور به ترک تاج و تخت و خروج از ایران گردید. در چهارده بهمن ۱۳۲۱ سومین سالگرد شهادت مبارز بزرگ دکتر تقی ارنانی بیه ابتکار حزب توده، ایران با شکوه خاصی در آرامگاه او برگزار شد. در این مراسم در آنها هزار

نفر از مردم جوانان و دانشجویان و زحمتکشان تهران شرکت داشتند. آنان سوگند یاد کردند که تراه او را با سرافرازی ادامه خواهند داد.

دومین دوره "دنیای" بعنوان نشریه تئوریک سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از تقریباً ۲۵ سال در فروردین ماه ۱۳۲۹ منتشر شد. "دنیای" از آن پس گنجینه پرازششی از اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به جنبش انقلابی و کارگری کشور را منتشر کرد و نقش مهمی در در رشد تئوریک و سیاسی مبارزان توده‌های و بخشی از روشنفکران انقلابی داشت.

"دنیای" همواره نقش بسجی کننده به کار رزمندگان ضد امپریالیست و ضد رژیم در داخل و خارج از کشور را داشت.

x x x x x x x x x

اکنون پس از گذشت ۵۲ سال از انتشار نخستین شماره دنیا و در آستانه چهل و ششمین سالگرد شهادت ارانی، نخستین شماره دوره پنجم دنیا نشریه سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران دیگر بار انتشار مییابد. انتشار دوره جدید دنیا نشان میدهد که وفاداران به راه ارانی در فشی را که در سالهای سیاه خفقان رضا شاهی برافراشته شد، همس چنان در راه تراز نگاه داشته اند. هیچ نیروی قادر نیست ایمان پولادین توده‌های را در ادامه راه ارانی تراه بهیروی زحمتکشان بدرهم شکند.

برای نجات فرهنگ ملی،

علیه تاریک اندیشان حاکم مبارزه کنیم!

## وطن، دامنت را پرچم پوشاننده تابوت سردار ما کن!

جهل و ظلم و واپس گرایی نبودند و آخرین آنان نیز نخواهند بود. آنان جان پاک خود را نتار آرمان بزرگی کردند که نهال برومندش با خون هزاران مزار مبارز فداکار آبیاری شده است.

آنان با مردم و برای مردم زندگی کردند. قلبشان برای ایران و آینده میهن می تپید. آنان با همه عشق و شور انقلابی و با همه دانش و توانایی خود برای بهروزی مردم و میهن رنج دیده ما می کوشیدند. یکی از همکاران ناخدا افضلی که هیچگونه تسایل و کششی به حزب او نداشت در رثای او نوشت: "این مرد به هیچ چیز جز ایران فکر نمی کرد. من همیشه افتخار می کردم که ایران چنین گل هایی دارد. شما فقط اسامی قطار شده حسن، حسین، مرضیه و غیره را می بینید که توی روزنامه با یک لقب کثیف که رژیم منافق اسلامی به آنها نسبت داده ولی شاید نمی دانید که پشت هر اسم چه چهره های باسواد، پاک، قهرمانی ایستاده است. آنها را باید شناخت و گذشته شان را دانست."

یادشان و نامشان پیوسته در خاطر خلق و تاریخ زنده است.

در سحرگاه خوزین ششم اسفند ۱۳۶۲، ده بهرمان، ده رزمنده راه آزادی و رهائی خلق، ده توده ای به خاک غلطیدند. ده پل، رفقا ناخدا یکم بهرام افضلی، سرهنگ هوشنگ عطاریان، سرهنگ بیژن کبیری، سرهنگ حسن آذرفر، شاهرخ جهانگیری، محمد بهرامی نژاد، جعفر بهرامی نژاد، خسرو لطفی، فرزاد جهاد و غلامرضا خاشعی با سرافراشته و قلب مالمال از عشق وطن، سرود حزب بر لب در مقابل جوخه اعدا قرار گرفتند و گل وجود آنان به دامن انتقام ارتجاع عنان گسیخته پیرشود. کینه حیوانی رژیم ترور و اختلال بدین جهت برانگیخته شد که آنان "در رژیم گذشته، با پوست و گوشت و استخوان خود فساد، ظلم و محرومیت را در جامعه ایران احساس می کردند" و برای غلبه بر فقر و عقب ماندگی دیرپای حاکم در میهن ما به "لزوم یک حزب چپ ... که انگیزه های خدمت اجتماعی یکسان برای افراد جامعه را داشته باشد" با تمام وجود اعتقاد داشتند.

شهدای خلق، ناخدا افضلی و سرهنگ عطاریان و یارانشان، اولین قربانیان کارزار نبرد خوزین نیروهای بالنده و پیشرو علیه سپاه

متحداً برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنیم!



## نامشان جاودانه شد

دوازده سال از شهادت و انقلابی محبوب مردم، خسرو گل سرخی و کرامت دانشیان گذشت. آن دو در دامان خلق بالیدند و در راه آرمان های مردمی خود جان باختند. رژیم دیکتاتوری و وابسته پهلوی برای ایجاد رعب در بین مبارزین راه آزادی و استقلال و بنظر اثبات ترهات شاه خائن که ایران را جزیره فبات و آزادی می خواند، به نمایش محاکمه آنان دست زد.

شجاعت، ایستادگی و پایداری این دو قهرمان مبارز نقشه های سیم کارگردانان امنیتی و تبلیغاتی رژیم را نقش بر آب کرد. <sup>دفاع</sup> ضلالت و متانت خسرو و کرامت، ولاداری آنان به آرمان و جهان بینی خود و از حقوق مردم ایران، بیدادگاه فرمایشی را به دادگاه رژیم میدل ساخت. آنان در دفاعیات خود ارانی ها، روزه ها و وارثان ها را ستودند و خود را ادامه دهندگان راه پرافتخار آنان خواندند. رژیم خشم دیوانهوار و تلخی شکست رسوای خود را با صدور و اجرای حکم اعدام این فرزندان خلق تسکین داد.

آری، دو انسان، دو مبارز انقلابی، با دستهای خالی پشت رژیم تا بن دندان مسلح را به لرزه در آوردند و نامشان در تاریخ مبارزات مردم ایران جاودانه شد. دیگر بار یاد شان را گرامی می داریم.

---

**نابود باد بساط خفقان و شکنجه خلق!**

---

## هشتم مارس روز جهانی زن

مقتاد و شش سال پیش، در دومین کنفرانس بین المللی سوسیالیست ها در کینشاک پیشنهاد برقراری هشتم مارس بعنوان " روز جهانی زن " به تصویب رسید. مبتکر اعلام روزی بعنوان روز همبستگی بین المللی زنان، کلاوا تسکین، انقلابی سرشناس و پیش کسوت مبارزه در راه احقاق حقوق زنان بود. علت انتخاب این روز، پریایی اعتصاب و تظاهرات عظیم زنان کارگر بافنده نیویورک در هشتم مارس ۱۸۵۷، بخاطر افزایش دستمزد و تکمیت ۱۰ ساعت کار روزانه و همچنین تظاهرات هشتم مارس ۱۹۱۸ زنان امریکا برای کسب حق شرکت در انتخابات است.

امروزه تقریباً در همه کشورهای جهان، هشتم مارس بعنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخته شده است. مسئوعیت برگزاری این روز در رژیم جمهوری اسلامی یکی دیگران جلوه های آزادی کثی و خفقان حاکم بر میهن ما است. آشنا کردن توده های زن با روز همبستگی بین المللی زنان و اهداف آن از جمله وظائف مهم مبارزین و انقلابیون جوان، به ویژه دختران آگاه و پیشرو جامعه ما است.

می توان و باید از فرارسیدن روز زنان، برای افشای سیاست زن ستیز رهبران جمهوری اسلامی و بسیج دختران به خاطر رفع محرومیت های اساسی اقتصادی، آموزشی، حقوقی و ... سود جست. رژیمی که علاوه بر سیر تفقراتی عمومی که به جامعه ما تحمیل کرده، هر روز سد و مانع جدیدی بر سر راه پیشرفت و ترقی دختران ایجاد می کند.

هر سال بر تعداد دخترانی که پشت درهای مدرسه می مانند افزوده می شود. بیسوادی بین زنان و دختران با سرعت بیشتری از مردان روبه افزایش است.

مسئولین آموزش و پرورش نظام قرون وسطایی ولایت فقیه، مطالب کتب درسی دختران را تغییر داده و به زعم خود آنان را برای وظائفی که ما با " فطرت انسانی زن " سازگار است، یعنی آموزش آشپزی و خدمت در خانه، تربیت می کنند. محدودیت تحصیل در رشته های ریاضی و فنی هر روز جدی تر می شود. دختران در برنامه موسوم به " طرح کاد " مجبورند تنها به فراگیری خیاطی و بافندگی و کمک های اولیه اکتفا کنند.

ورزش از عرصه های ممنوعه برای دختران ما است. آنان ناچارند با لباس های کاملاً نامناسب و خفه کننده در محیط مسدود برنامه هایی را اجرا کنند که مسئولین آموزش و پرورش رژیم به آن نام " ورزش " داده اند. شرکت در مسابقات ملی و بین المللی و حتی تماشای مسابقات در استادیوم ها برای دختران ممنوع شده است. از موسیقی، تئاتر، رقص، گردش های علمی و تفریحات سرگرم کننده سخن گفتن، گناه تلقی می شود.

پایان دوره دبیرستان برای دختران ما آغاز سرگردانی است. مسئولین رژیم پنهان نمی کنند که فقط مایل به استخدام " برادران " در ادارات و کارخانه ها هستند. برای دختران امکانات محدودی برای کار در کارگاه های کوچک، بدون تضمین و امنیت شغلی وجود دارد. ادامه تحصیل در دانشگاه رویا نیست که برای اکثریت دختران ما به تحقق نمی پیوندد. بسیاری از رشته ها را رسماً برای دختران ممنوع کرده اند. در سایر رشته ها نیز با اولییتی که برای اعضای بسیج و سپاه و جهاد قابل شده اند، شانس دختران به حداقل میرسد.

در ایران دیکتاتورزده، حتی تفکر و اندیشه بقیه در صفحه ۱۵

## درباره رئالیسم سوسیالیستی یا واقع‌گرایی سوسیالیستی

به شکلی که در تعلیمات مارکس و لنین و استالین نشان داده شده است، بدانیم. و بوسیله کار که پیروزی تاریخی جدید یعنی اراده و عقل پرولتاریای اتحاد جماهیر شوروی آن را سازماندهی و رهبری می‌کند، در کارخانه‌ها و مزارع بکار بندیم. به عقیده من این مسئله ایست که در مقابل "اتحادیه نویسندگان" قرار دارد."

گورکی فقط به شناخت و مطالعه ادبیات و تاریخ گذشته اتحاد شوروی اکتفا نمی‌کرد. وی معتقد بود که شناخت و مطالعه ادبیات جهان بسیار اهمیت دارد، زیرا در پی ریزی روح انترناسیونالیسم در دنیای نوین موثر خواهد بود. محدود کردن خود به سنت های ملی و نادیده گرفتن تاریخ هنر جهان، میدان فکر هنرمند را محدود کرده و موجب رشد تأیلات خطرناک ناسیونالیستی در او می‌شود. بنابراین

هنر رئالیسم سوسیالیستی را می‌توان وحدتی جدایی ناپذیر از عناصر ملی و بین‌المللی دانست که از پرتو عقاید سوسیالیسم علمی روشنی می‌گیرد. احترام به سنت‌ها، تنفر از تقلید، عشق به نوآوری شجاعانه، اصول اساسی هنر رئالیسم سوسیالیستی را تشکیل می‌دهد.

هنر رئالیسم سوسیالیستی، نگرشی دیالکتیکی - ماتریالیستی نسبت به زندگی، نلی ایدئولوژی بورژوازی و کوشش آگاهانه در جهت ساختمان سوسیالیسم و جامعه آینده است. نظام زیبایی شناسی در هنر رئالیسم سوسیالیستی بر پایه تئوری انعکاس لنین استوار است: "هنر جهان را به شکل آرمان

اصلاح واقع‌گرایی سوسیالیستی نخستین بار در سال ۱۹۳۲ بکار برده شد و اصول اساسی آن در اولین کنفرانس عمومی نویسندگان شوروی در سال ۱۹۳۴ مفصلاً تشریح گردید. در خطابه‌ای که در ۱۷ اوت ۱۹۳۴ در اولین کنفرانس عمومی نویسندگان شوروی ایراد شد، از جمله چنین آمده است: "رئالیسم سوسیالیستی اعلام می‌دارد که زندگی عمل و خلاقیت است و هدف آن تکامل بلا مانع یا ارزش‌ترین استعداد های انسان در راه پیروزی بر قوای طبیعت و بیخاطر سلامتی و طول عمر و زندگی سعادت مند روی کره زمین است - و این زمین است، که انسان آرزومند است و می‌خواهد آن را همگام و متناسب با احتیاجات روز افزون خود آباد کند و برای کلیه انسان‌هایی که در خانواده متحد و واحدی گرد آمده‌اند، بصورت اقامتگاهی با شکوه درآورد."

ماکسیم گورکی پایه گذار بزرگ رئالیسم سوسیالیستی در نخستین روزهای ایجاد دولت شوروی "بنگاه انتشاراتی ادبیات جهان" را در شرایط بسیار دشوار آن زمان تشکیل داد. هدف بزرگ گورکی مهارت بود از آشنا کردن مردم هنرمندان شوروی با ادبیات عهد باستان، قرون وسطی، رنسانس (عهد روشنگری) و به ویژه کلاسیک های قرن هیجدهم و نوزدهم - گورکی طی خطابه‌ای در نخستین کنفرانس عمومی نویسندگان شوروی گفت:

"ما باید تاریخ گذشته خود را بدانیم، باید هر چه را که در گذشته به وقوع پیوسته، آن هم نه به طرزى که تا کنون بازگفته شده، بلکه



رشد بیکران شعور اجتماعی طبقه کارگر جهان ارتباط داشته، نوعی احساس اجتماعی و روح اشتراک‌سویالیسم حقیقی را در مردم ایجاد می‌کند. ژتالیسم سوسیالیستی کوشش‌های خود را برای نشان دادن هدف‌ها و منافع مشترک ملت‌ها و خلق‌هایی معطوف می‌کند که احترام و علاقه زیادی برای سنت‌های متمدنی و فرهنگی خود قائل هستند و درست این مشخصه بسیار مهم ژتالیسم سوسیالیستی است که دشمنان طبقاتی آن را به رحمت مرگ انداخته است. مخالفین ژتالیسم سوسیالیستی بر مبنای این مشخصه است که به عمد سعی دارند آن را در محدوده تنگ جغرافیایی قراردادها و بدون داشتن هیچ دلیلی سعی دارند که آن را حکم و نوشته مقامات بلندیایه اتحادشوری، اختراع تبلیغاتی مسکو - و نه یک سبک هنری جدید - وانمود کنند. در این زمینه برای مثال می‌توان از گ - یرمولایف نام برد. یرمولایف سال ۱۹۲۳ کتابی درباره ژتالیسم سوسیالیستی در آمریکا منتشر کرد. مولف کوشیده به اصطلاح ثابت کند که ژتالیسم سوسیالیستی به دستور شخص استالین ساخته شده و به سایر کشورها صادر شده است. نویسنده را در این کتاب با حقایق کاری نیست. او گویا "صادقانه" ایمان دارد که با صدور فرمانی می‌توان نویسندگان متمدنی سراسر جهان را به اطاعت از قوانین معینی تشویق کرد.

رابطه بین ژتالیسم سوسیالیستی و سنت‌های هنری جهان، موضوعی است که متخصصین اتحادشوری و سایر کشورهای جهان به بررسی ژرف آن پرداخته‌اند. این متخصصین با توجه به توسعه ادبیات پرولتاری در اروپای غربی، روسیه و سایر نقاط جهان و ژرف‌ریشه‌های ژتالیسم سوسیالیستی در ادبیات جهان، این ادعاهای دشمنان ژتالیسم سوسیالیستی را بی‌اعتبار ساخته‌اند.

های مشخص منعکس می‌کند، هر هنرمند بزرگی، نوآور و بی‌همتا است. او پدیده تازه‌ای، یعنی هنر را می‌آفریند.

تحلیل این مسایل نشان می‌دهد که مسئله سنت و نوآوری تقریباً تمامی جنبه‌های تئوری هنر را بطور اعم و تفصیلی سوسیالیستی را بطور اخص در برمی‌گیرد. در رابطه با سنت و نوآوری، هگل مثال بسیار جالبی دارد. هگل می‌گوید: "کلمه آلمانی *Aufheben* سه معنی دارد، نخست "تمام"، دوم "حفظ کردن، ادامه دادن، استفاده کردن"، سوم "برافراشتن، در سطح بالاتری قراردادن" این سه معنی برای ما هنرمندان مهم هستند. (۱) و راهگشای مسئله بفرنج سنت و نوآوری در هنر.

یکی دیگر از ویژگی‌های اساسی ژتالیسم سوسیالیستی چابک‌داری بودن آن است و شرایط لازم برای گرایش حقیقتاً خلاق نسبت به زندگی، توانایی جستجوی روابط عمیق بین خواست‌ها، احساس‌ها، هیجان‌ها و اصول اجتماعی عمده آنها و توانایی نگریستن به جهان و جامعه معاصر از نظرگاه انقلابی و سوسیالیستی است. یکی دیگر از مشخصات بارز هنر ژتالیسم سوسیالیستی این است که در این هنر، شخصیت عمده نه تنها نماینده مردم مبارز، بلکه خود از مردمی است که به دفاع از آرمان‌های نوین اجتماعی پرداخته و در جریان عمل انقلابی به سطح آگاهی بالاتری دست می‌یابد. هنر ژتالیسم سوسیالیستی با در نظر گرفتن تضادهای درونی و هیجانات و منافع و تمایلات روانی یک فرد و نگرش وی به مبارزه اجتماعی و تضادهای زمان خویش، روی جنبه‌های اجتماعی شخصیت تأکید بیشتری می‌کند.

واقع‌گرایی سوسیالیستی، انسان را مستقیماً سازنده تاریخ و موجودی اجتماعی می‌داند که سخت با جامعه‌ای که دست‌اندرکار نوسازی آن و در عین حال دگرگون کردن خویش است پیوند دارد. پیدایش ژتالیسم سوسیالیستی که با



## مرگ روز لنین

آن سر یاز این را امید انست که نشین

سراسر زندگی اش

با استعارگران مبارزه کرد ، بود

و این سر یاز از آن پس که باری کرد ، بود

تا یکاخ زمستانی (تزار) هجوم برند

خواست که رهسپار خانه اش شود

زیرا کشتزارهای اربابی را تقسیم میکرد ند

در آنجا بود که لنین به او گفته بود

باز هم بدان ، زیرا هنوز استعارگران وجود دارند

تا هنگامیکه استعارگران وجود دارند

باید علیه آنها بجنگی

تا زمانی که تو وجود داری

باید علیه آنها بجنگی



آنان که شا توانند نس جنگند

نبروند تران ، شاید که ساعتی جنگند

و آنان که بیشتر نیرومند ند سالیان درازی میجنگند

اما نیرومند ترین کسان سراسر زند گیشان میجنگند

از ایشان است که نمیتوان چشم پوشید .

ترجمه از : مهیار

هنگامیکه لنین درگذشت ،

میگفتند : سر یازی از ناسد اران آرا نگاه

به هفتزارانش گفت : من نمیخواستم باورد اشته باشم

از این رو به درون جایگاهی رفتم که او خفته بود

و در گوش او فریاد زد م :

"ایلیچ استعارگران می آیند"

او از جای نجنبید

آنگاه دانستم که او مرده است .



رفتنی نکردی آهنگ رفتن د ارد

چگونه میتوان ارا از رفتن باز د اشته ؟

به او میگویند : جراتناز مند وجود اویند

این امر ارا نگاه م د ارد

چه چیز میتوانست لنین را نگاه د ارد ؟

سرناز چنین اند پیشد :

اگر او بشنود که استعارگران می آیند

حتی اگر بیمار باشد بیا خواهد خاست

شاید که با جویب حسی بیا بد

شاید که بمسارد نا ارا بدوش کشند

اما او بر میخیزد و می آید

تا با استعارگران بجنگد

## زندانی سیاسی

من آن پرنده وحشی دور پروازم  
که رام نشده، بندم به پای پیکار است  
غمین نه، که خونین به دوردست می نگرم  
و هر سینه به گوشم طنین ایمان است  
اگر چه که صیاد مست خون من است  
و ذره ذره دلم را به جام کینه می نوشد  
دلی به وسعت فردای رنج می سازم  
به هر سینه که چاش مرا به بیمان است

ع. ف. آزاده

تیرماه ۱۳۶۲

به یاد رفیق تقی کبی منش

## چه استوار ایستادی!

چه با صلابت ایستادی  
آن زمان که پیشانیات را نشانه گرفتند.  
لیک پرنده اندیشه ات را  
در سفر اساطیرش انبوه هزاران انگشت  
نشانه  
بهم نشان می داد.  
و خط شیری روشن در دل شب نشان راه تو  
بود.  
نه تکیه گاه تو تیرک جوخه  
که تیرک جوخه بر قامت استوار تو تکیه  
داشت.

و بر آن ، ستاره نشان پرچی شدی  
افراشته در کنار درفش آهنگر.

"رسانا"

## خورشید روی سیبل

- به ستون ده!  
با استخوانی قدیمی  
بر طبل می کوبید  
فرمانده مرگ  
فرمان می راند:  
- به پیش!  
ده تا بلوی عشق  
ده یال بلند باد  
ده سپیدار بلند اعتراض  
ده شکوفه لبخند  
ده ریشه بهار  
ده شعر ناب  
ده دامنه سرود  
ده پرچم بلند رزم  
ده تفنگ پر  
ده ستاره دنباله دار  
از دهلیمزهای کور  
از میان انبوه بهت دریچه ها  
به تیرگاه  
مردانه می رفتند.  
طلوع را آن صبحدم  
خورشید روی سیبل  
ده بار  
تکفیر کرده بود

سروده یکی از خوانندگان

جوان آرمان

## "اطلاعیه"

مردی کنار راه شیئی جان داد  
 درمانده بی تشکل و  
 بی همراهِ  
 او آشنا ترین بلاکش آواره  
 در هایبوی هولناک جهان ما  
 مردی صبور و تلخ  
 که می خواست  
 انبوه کهنه دردهایش را  
 با چند قرص مسکن دوا کند.  
 مردی کهنه  
 در لباسی کهنه  
 گوئی شمشیری کند  
 در غلالی کهنه  
 مردی کهنه  
 با دستانی کهنه و زخمی عمیق  
 خونابه چکان  
 لخته  
 لخته  
 از روزهایی نو  
 از سالیانی کهنه  
 مردی که ناگهان  
 چونان کلاف یوسیده  
 فرو ریخت بر زمین.  
 مردی که حجم نداشت  
 و با طرحی بازگونه از یک مرد  
 صدها مزار فریاد فرو خورده را  
 پیاد می آورد.

مردی که شکل پدر بود  
 یا شاید شبیه عموهایم  
 مردانی از سلاله زحمت  
 از تبار کار  
 زرد و سیاه، سرخ و سفید  
 مردانی بدون تشکل  
 بدون نقش تاریخی  
 مردانی " داغ لعنت خورده "  
 مثل تقی بزرگ  
 بر چهره هر نابرابری  
 فرزند خونچکان زنان و مردانی که  
 انبوه  
 انبوه  
 در جنبه کارگاه  
 و قحط سالی یا بیژر روستا مردند  
 میراث های بچامانده از آن  
 دودمان رنج،  
 کار بدون مزد،  
 و پینه دست هاشان بود.  
 آهای در یاداران ستم بر  
 جهان آفریدگان  
 هنگام که اندیشه هایتان  
 در کار و کارزار  
 - هر جا که می فروکید نیروی کار خویش -  
 وامانده در تدارک و تشکیلات  
 " آنان که کار می کنند هرگز  
 چیزی برای خویش بدست نمی آورند "

## نگاهی به قانونمندی های انقلاب راهب‌پسند ملی نواستعمار در عرصه اقتصادی

قدرت اقتصادی کشورهای امپریالیستی،  
مللی شدن سرمایه و تشکیل بانک ها و شرکت  
های فراملیتی است.

از سوی دیگر پدیده های نوینی چون تووم -  
رکود مزمن اقتصادی و رشد بحران های  
ساختاری (شامل بحران انرژی - بحران محیط  
زیست - بحران ارزی و مالی) در اقتصاد  
کشورهای سرمایه داری پیشرفته و گسترش  
مبارزات طبقه کارگر در این کشورها که به  
افزایش نسبی دستمزدها انجامیده، موجب آن  
شده است که صنایع گاه پراهمیتی در این  
کشورها در ذیف صنایع "کم سود" و "کثیف"  
قرار گیرند، و گرایش روزافزونی به انتقال  
این صنایع به کشورهای رشدیابنده بوجود آید.  
انحصارات امپریالیستی، سرمایه گذاری در  
عرصه صنایعی چون انفورماتیک و الکترونیک  
و صنایع شیمیایی را که ابر سود انحصاری در  
آنها بسیار بالا است، بسیار با صرفه تر از  
سرمایه گذاری در صنایع مصرفی و تبدیلی و  
حتی صنایع فولاد و خودروسازی می یابند، بویژه  
که با انتقال این صنایع به کشورهای  
رشدیابنده، ضمن استفاده از نیروی کار و  
انرژی و مواد خام ارزان، و فراغت از تعهدات  
نسبت به حفظ محیط زیست می توانند به کمک  
بهره کشی نواستعماری از مجرای شرکت های  
فراملیتی، بخش اصلی ارزش افزوده حاصله را  
نیز تصاحب کنند.

تحت تاثیر این عوامل، در دهه های اخیر  
سرمایه انحصاری گاه حتی کوشیده است  
دنجیره های کاملی از برخی صنایع را در  
کشورهای رشدیابنده ایجاد کند. با وجود این  
گرایش اصلی انحصارات امپریالیستی آن است

چاپگاه برتر آنان در نظام مبادله و تقسیم کار  
بین المللی و تسلط آنان بر دستاوردهای انقلاب  
علمی و فنی، کشورهای رشدیابنده را، تا زمانی  
که وابستگی خویش به بازار جهانی  
امپریالیستی را بطور کامل از میان  
برنداشته اند، در معرض بهره کشی نواستعماری  
انحصارات امپریالیستی قرار می دهند. شدت  
استثمار نواستعماری کشورهای رشدیابنده از  
یکسو به درجه عقب ماندگی اقتصادی و سطح  
پاروری ملی کار در این کشورها و از سوی دیگر  
به خصلت طبقاتی حاکمیت سیاسی و میزان  
پایبندی این حکومت ها به منافع ملی و درجه  
پیگیری آنها در مبارزه در راه دستیابی به  
استقلال راستین و پیشرفت اجتماعی بستگی  
دارد.

مناسبات ناهمبهر در بازرگانی بین المللی  
که اهم <sup>اصلی</sup> بهره کشی نواستعماری است، عمری به  
اندازه عمر نظام های استعماری دارد. شکل  
کنونی این مناسبات بطور عمده طی دوره  
استعمار امپریالیستی پدید آمده است. در عین  
حال تحولات چندی، از جمله وبه ویژه انقلاب  
علمی - فنی در سال های پس از جنگ جهانی  
دوم، دگرگونی های بیسابقه ای در تولید و عرضه  
انبوه کالاها، در کشورهای امپریالیستی، و  
چرخش و توزیع جغرافیایی سرمایه و بازرگانی  
در سطح جهانی پدید آورده اند و به مناسبات  
ناهمبهر در مبادله و بازرگانی بین المللی شکل  
نهایی نواستعماری بخشیده اند. از  
جمله مهمترین این دگرگونی ها، شتاب چشمگیر  
در جریان برون مرزی سرمایه مالی و بین

می‌کنند و ۸۰ تا ۹۰ درصد مهمترین مواد خامی را که از کشورهای رشدیابنده صادر می‌شوند به بازار عرضه می‌کنند (فیدل کاسترو - بحران جهانی، تاثیر اجتماعی و اقتصادی آن بر کشورهای رشدیابنده - ص ۱۶).

امپریالیسم می‌کوشد فعالیت شرکت های چند ملیتی را کم و بیش تنها دورنمای امیدوارکننده برای "رشد" اقتصادی کشورهای از بند رسته معرفی کند. تجربه روزافزون کشورهای رشدیابنده حاکی از آن است که این مرسات از جمله بخاطر ساختار درونی پیچیده اشان، اهرم های بسیار موثری برای تشدید بهره کشی امپریالیستی از کشورهای رشدیابنده و سوء استفاده از دستاوردهای علمی و فنی برای تحکیم وابستگی این کشورها محسوب می‌شوند. خلق های کشورهای رشدیابنده، در چهره شرکت های چندملیتی پیش از پیش ابزار و اهرم های نوین نواستعماری را می‌شناسند.

برخی مکانیسم های ویژه استثمار نواستعماری شرکت های چندملیتی چنین اند: شرکت های مادر با استفاده از امکانات انحصاری قیمت کالاهای صادراتی و حمل و نقل به مقصد شعب خویش در کشورهای رشدیابنده را گران، و قیمت کالاهای وارداتی و حمل و نقل از این کشورها را ارزان محاسبه می‌کنند و از راه اینگونه حساب سازی های کاذب سودهای کلان می‌برند. بخش عمده ای از سرمایه گذاری های صنعتی این شرکت ها، به صورت وام گرفتن از بانک های خودی یا نرخ بهره بالا صورت می‌گیرد و در نتیجه بخش بزرگی از ارزش افزوده حاصله بصورت بازپرداخت وام و بهره از کشورهای رشدیابنده خارج می‌شود. اجرای طرح های صنعتی از سوی شرکت های چندملیتی بصورتی سازمان داده می‌شود که مهندسی نظارت و ارائه خدمات فنی و بازرسی و تعمیرات به ناگزیر به انحصار در

که با خرد کردن زنجیره تولید، تنها بخش های گران، آلوده کننده محیط زیست و نوازنده به مواد خام و انرژی صنایع را به کشورهای رشدیابنده انتقال دهد، و بخش های کلیدی زنجیره تولید را خود در اختیار و کنترل داشته باشند. این امر در کنار انحصار دستاوردهای انقلاب علمی و فنی، به انحصارات امپریالیستی اسکان می‌دهد که مهمترین اهرم های اقتصادی برای حفظ بهره کشی امپریالیستی و ابرسود انحصاری را همچنان در اختیار خود حفظ کنند و حاصلت وابسته تولید صنعتی و عدم تناسب در ساختار صنایع ملی در کشورهای رشدیابنده را حفظ و تحکیم کنند، و در عمل کشورهای رشدیابنده را به زائده کشاورزی، مواد خام و صنعتی کشورهای امپریالیستی تبدیل کنند.

مهمترین تحول در جریان تمرکز سرمایه انحصاری در دهه های پس از جنگ، پدیده نوین تشکیل شرکت ها و بانک های چند ملیتی در کشورهای سرمایه داری پیشرفته و گسترش شعبات آنها در کشورهای رشدیابنده است. این مرسات که اینک به ابزار اصلی بهره کشی نواستعماری تبدیل شده اند از سلسله شرکت هایی تشکیل شده اند که با یکدیگر پیوندها و مبادلات تولیدی و بازرگانی ویژه دارند و مالکیت و کنترل مجموعه آنها، معمولاً با چند واسطه در اختیار انحصارهای بزرگ امپریالیستی است. مراکز تولیدی شرکت های مادر که اغلب دربرگیرنده بانک های بزرگ و شاخه هایی از صنایع مدرن است نیز در کشورهای امپریالیستی قرار دارد. شعبات این شرکت ها در کشورهای رشدیابنده به کار سازماندهی تولید در صنایع مصرفی و مونتاژ، صادرات کالاهای صنعتی و تکنولوژی به این کشورها و واردات مواد خام و سوخت از آنها می‌پردازند. شرکت های فراملیتی امروزه ۴۰ تا ۵۰ درصد بازرگانی جهانی را کنترل

بویژه برزلی، آرژانتین، ونزوئلا و مکزیک مراکز اصلی فعالیت شرکت‌های چندملیتی هستند.

جنبش ملی کردن صنایع و سرمایه‌های خارجی در بسیاری از کشورهای زش‌دیابنده ضربات سنگینی بر انحصارات امپریالیستی وارد آورده است. انحصارات امپریالیستی که همواره تمامی نیروی خویش را در مقابله با این جنبش به کار گرفته و می‌گیرند، در دهه‌های اخیر راه و رسم "سازگاری" با این پدیده و همکاری با بخش دولتی در کشورهای زش‌دیابنده را نیز آموخته‌اند. امروز در کشورهای زش‌دیابنده، شرکت‌های چندملیتی هم در طرح‌های دولتی مشارکت می‌ورزند و هم در موسساتی که بیش از نیمی از سهام آنها از آن سرمایه‌داران بومی است سهیم می‌شوند. در اینگونه موارد این شرکت‌ها علاوه بر استفاده از مکانیسم‌های معمول بهره‌کشی، از جمله با انحصار مقاطعه‌کاری‌های اصلی و مهندسی نظارت بر اجرای طرح‌ها، اهرم‌های اصلی لازم برای تضمین ابرسود نواستعماری را در اختیار می‌گیرند.

پدیده نوین دیگری که در استراتژی اقتصادی نواستعمار نقش مهمی ایفا می‌کند، با اصطلاح "کنک" برای توسعه است. پرداخت این "کنک"‌ها نیز از سال‌های پس از جنگ افزایش یافت. در ابتدا اینگونه کنک‌ها در اساس از کنک‌های نظامی تشکیل می‌شد و هدف آن قبل از هر چیز تحکیم حلقه‌های مختلف شبکه نظامی گری جهانی امپریالیسم بود. اما با تکوین نواستعمار، پرداخت این "کنک"‌ها که شکل ویژه‌ای از صدور سرمایه انحصاری - دولتی به کشورهای زش‌دیابنده است، بی‌آنکه اهداف نظامی را از مدنظر دور داشته باشد، در خدمت هدف‌های اجتناب‌ناپذیر اقتصادی نیز قرار گرفت. در دوره نواستعمار کشورهای امپریالیستی، کشورهای زش‌دیابنده را نه فقط

اختیار شعب دیگر این شرکت‌ها قرار داده می‌شود و از این رهگذر نیز سودهای کلانی نصیب آنها شود. اینگونه تاراج‌ها رهنانه شرکت‌های فراملی، روند انباشت سرمایه داخلی در کشورهای زش‌دیابنده را پشت‌مختر می‌کند، ثروت‌های خلق‌شده را به مراکز امپریالیستی سرازیر و چنانکه تجربه نشان می‌دهد در چند دهه به ورشکستگی مالی کشورهای زش‌دیابنده می‌انجامد. بنابر آمار سازمان ملل متحد، کشورهای زش‌دیابنده در سال ۱۹۷۸ مبلغی به اندازه سه برابر سود حاصل از سرمایه‌گذاری خصوصی مستقیم خارجی در این کشورها را بعنوان بهره قروض کلان خارجی خویش پرداخته‌اند (فیدل کاسترو - همانجا - ص ۱۹). حجم کل بدهی‌های کشورهای زش‌دیابنده - بطور عمده به بانک‌ها و شرکت‌های چندملیتی - هم اکنون از مرز هزار میلیارد دلار فراتر رفته است.

مردم کشورها از نتایج فعالیت شرکت‌های چندملیتی تجربه تلخی دارند، بسیاری از شیوه‌های امروزین بهره‌کشی نواستعماری شرکت‌های چندملیتی، در واقع همان شیوه‌هایی است که شرکت نفت ایران و انگلیس و سپس کنسرسیوم بین‌المللی نفت، طی دهه‌ها سال در ایران عملی می‌کردند و از رهگذر آن چندین برابر سود رسماً اعلام شده از غارت نفت ایران به جیب می‌زدند. با این تفاوت که شرکت‌های فراملیتی در دهه‌های اخیر با برخورداری از شبکه عظیم شعبه‌های خود در کشورهای گوناگون، و تسلط انحصاری به دستاوردهای انقلاب علمی و فنی به این شیوه‌ها اشکال پوشیده‌تر و نظم‌یافته‌تری داده‌اند.

سرمایه‌گذاری شرکت‌های فراملی به دلایل مختلف در برخی از کشورهای زش‌دیابنده متمرکز شده است. در آسیا، سنگاپور، کره جنوبی، فیلیپین، تایوان و بندر هنگ‌کنگ، در آفریقا نیجریه و لیبیا و در آمریکای لاتین

توسعه نیز این توصیه را پذیرفتند، کوچکترین گام عملی در راه افزایش آن برداشته شد (نوداری سیمونیا - درباره نواستعمار - ص ۱۱۲).

"کمک" امپریالیستی برای رشد سرمایه‌داری مستعمراتی، از جمله هنگامی که از مجاری سازمان‌های مالی امپریالیستی چون بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه، و صندوق بین‌المللی پول صورت می‌گیرد، با شرایط سیاسی و اقتصادی ویژه‌ای برای تسهیل بهره‌کشی امپریالیستی بوسیله انحصارهای خصوصی امپریالیستی همراه است. همراه با این "کمک" بنا به معمول توصیه‌های اقتصادی لازم الاجرائی به کشورهای رشدیابنده دیکته می‌شود که از میان برداشتن عوارض گمرکی حمایت‌کننده تولیدات داخلی، تأمین شرایط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مناسب برای افزایش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و از جمله خودداری از ملی کردن این سرمایه‌ها، تثبیت وابستگی ارزی کشورهای رشدیابنده به ارزهای اصلی امپریالیستی، محدودیت بخش دولتی و کاهش هزینه‌های اجتماعی دولتی به زیان وحتکشان از اجزای همیشگی آنهاست. به این ترتیب صدور سرمایه امپریالیستی تحت عنوان "کمک برای توسعه" نقش پراهمیتی در تأمین اهداف استراتژیک امپریالیسم در قبال کشورهای رشدیابنده ایفا می‌کند.

(ادامه دارد)

از نقطه نظر غارت بی‌حد و سرز مواد اولیه و بهره‌کشی از نیروی انسانی و مقابله استراتژیک با نظام جهانی سوسیالیسم، بلکه در عین حال پشابه ذخیره اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری جهانی مورد توجه قرار دادند. هدف اجتماعی - اقتصادی "کمک برای توسعه" که بصورت کمک بلاعوض یا وام درازمدت پرداخته می‌شود، اینک، تشویق رشد سرمایه‌داری وابسته در کشورهای رشدیابنده از راه ایجاد زیرساختار (انفراستروکچر) اقتصادی - راه‌ها و راه آهن‌ها، فرودگاه‌ها، نیروگاه‌ها و سد‌ها - در این کشورها و در عین حال تأمین شرایط مناسب تر برای صدور سرمایه خصوصی امپریالیستی به این کشورها بود. در واقع این شکل از صدور سرمایه انحصاری جای صدور سرمایه خصوصی را نمی‌گیرد، بلکه به عنوان پایه و محثوق آن بکار گرفته می‌شود. با همه اهمیت که صدور سرمایه انحصاری - دولتی در کل سرمایه صادراتی امپریالیستی در دهه‌های اخیر داشته است، حجم آن از ۲۵٪ درصد کل تولید ناخالص ملی در کشورهای ایالات متحده آمریکا، آلمان فدرال و ژاپن تجاوز نکرده است. حتی هنگامی که سازمان ملل متحد رقمی برابر با ۷ درصد تولید ناخالص را برای این هدف توصیه کرده بود، و اکثریت کشورهای عضو کمیته کمک به

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران و جهان!



## جوانان توده ایران

### در اجلاس هیات اجراییه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات

اجلاس فوق العاده هیئت اجراییه فدراسیون جهانی جوانان دموکرات بمناسبت بزرگداشت چهلمین سالگرد تاسیس فدراسیون جهانی از تاریخ ۸ - ۱۰ نوامبر در برلین پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان به میزبانی سازمان جوانان آزاد آلمان برگزار گردید.

سازمان جوانان حزب توده ایران که از بنیانگذاران فدراسیون و عضو هیئت اجراییه آن در چهل سال گذشته بوده است، نیز در این اجلاس حضور داشت.

نمایندگان سازمان های جوانان کشورهای مختلف در طی این اجلاس در مورد مهمترین مسایل بین المللی و مبتلا به جوانان سخنرانی نمودند. نماینده سازمان جوانان توده ایران در طی سخنرانی خود ضمن تبریک چهلمین سالگرد فدراسیون جهانی و تشکر از جوانان آلمان دموکراتیک برای میزبانی این اجلاس، درباره دست آوردهای فدراسیون در دفاع از حقوق جوانان، مبارزه در راه حفظ صلح و برگزاری ۱۲ کنگره جهانی شکوهند جهانی جوانان و دانشجویان صحبت نمود. وی در مورد ضرورت مبارزه جوانان در راه صلح از جمله چنین گفت:

" جوانان جهان بیش از هر زمان دیگری به ضرورت مبارزه در راه صلح پی می برند... بنظر ما پیشنهادات اخیر اتحاد شوروی در مورد قطع یک جانبه آزمایشات سلاح های اتمی، کاهش سلاح های اتمی به میزان ۵۰٪ و جلوگیری از کشیده شدن مسابقه تسلیحاتی به قضا، کاریایه مهمی است که جوانان و نیروهای مترقی جهان باید بر اساس آن مبارزه خود را در راه صلح تشدید نمایند."

سخنران همبستگی جوانان توده ایران را با

شرکت کنندگان در این اجلاس در آغاز کار خود دیدار مهمی، در ساختمان شوروی دولت جمهوری دموکراتیک آلمان، با رفیق اریک هونکر و هیئت دولت این کشور داشتند. رفیق هونکر به عنوان یکی از پیش کسوتان فدراسیون جهانی، طی سخنان مبسوطی چهلمین سالگرد فدراسیون را به تمامی جوانان جهان تبریک گفته و برای فدراسیون در مبارزه اش برای صلح، آزادی و رهایی ملی آرزوی موفقیت نمود.

در روز دوم این اجلاس مراسم ویژه ای به مناسبت بزرگداشت چهلمین سالگرد فدراسیون در کاخ جمهوری با شرکت گروهی از بنیانگذاران فدراسیون از کشورهای مختلف، رامش چاندرا رئیس شورای جهانی صلح، نماینده اتحادیه جوانان سوسیالیست (وابسته کمیلترناسیونالیست سوسیالیست ها) برگزار گردید.

هیئت نمایندگی سازمان جوانان حزب توده ایران بطور بسیار فعال در این اجلاس شرکت نمود. در این مدت با سازمان های برادر از کشورهای افغانستان، لبنان، مصر، ترکیه،



رئیس فدراسیون لوسه، افتخار چولپین سالگرد تاسیس فدراسیون جهانی جوانان کمونکات را به ارایش مونیتر تقسیم میکند  
 از چپ به راست: ابرهارد اوریس (مدیر اول سازمان جوانان آزاد آلمان)، بولید سری (رئیس فدراسیون)، هلموس جرونی (مدیر کل فدراسیون)، ارایش مونیتر (مدیر ملی اشتوف (صدر شورای دبیران جمهوری دموکراتیک آلمان))

این اجلاس فوق العاده با بررسی و تصویب سند تحلیل کار فدراسیون در طی یک سال گذشته و تصویب دو سند مهم دیگر در مورد کار آینده فدراسیون و همبستگی با مبارزه مردم افریقای جنوبی، نیکاراگوئه و مبارزه در راه صلح علیه جنگ ستارگان به کار خود با موفقیت بسیار پایان داد.

دو برنامه کار فدراسیون، مسئله جنگ ایران و عراق مطرح گردیده و فدراسیون خود را موظف نموده است که همه تلاش هایش را در راه پایان دادن به جنگ و برقراری یک صلح عادلانه و دموکراتیک بکار گیرد.

مبارزات خلق های افریقای جنوبی، السالوادور، نیکاراگوئه، شیلی و فلسطین علیه امپریالیسم، آپارتاید و صهیونیسم اعلام نمود. وی در دنباله صحبت خود ضمن توضیح سیاست های جنگ طلبانه امپریالیسم در منطقه، به علل شروع و شایعات جنگ ایران و عراق پرداخته و سیاست های جنگ طلبانه و ارتجاعی رژیم خمینی را در این رابطه افشا و محکوم نمود. وی در جای دیگری از سخنان خود در مورد مبارزه دشوار و قهرمانانه جوانان ایران چنین گفت:

” رژیم خمینی که با مقاومت سرسختانه مردم و جوانان ما روبرو گردیده، کارزار وحشیانه ای برای سرکوب و نابودی همه نیروهای مترقی در ایران به راه انداخته است... صدمه زارترین از جوانان ما زیر سخت ترین شکنجه هادر شرایط دشواری در زندان های رژیم به سر می برند... اخبار رسیده حاکی از آنست که رژیم جنایتکار احکام اعدام ۱۵ تن از اعضای رهبری حسب توده ایران و جوانان توده ایران را به همواره احکام اعدام ۴ تن از اعضای رهبری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) صادر نموده است. بر طبق اطلاعات رسیده رژیم رفیق رضی الدین تابان از رهبران سازمان جوانان فدائی (اکثریت) را اعدام نموده است... ما در طی این چهل سال همواره از همبستگی پر شور فدراسیون به نمایندگی از سوی میلیون های جوانان سراسر جهان برخوردار بوده ایم. ما اطمینان داریم که این همبستگی در این شرایط دشوار نیز ما برای آزادی و صلح، استقلال و عدالت اجتماعی ادامه و گسترش خواهد یافت... ”

## همبستگی اعضایی هیات اجراییه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات با جوانان ایران

دمکراتیک، معروفیت های شدید اجتماعی، سیاسی و مدنی را که توسط رژیم خمینی در حق مردم ایران و به ویژه زنان اعمال می شود، محکوم می کنیم. ما ضمن پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه اقلیت های ملی و مذهبی، خواهان قطع فوری کشتار و سرکوب خلق کرد هستیم.

۴- ما همبستگی عمیق خود را با جوانان مبارز ایران، به ویژه اعضا و هواداران سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران (ادیسی) اعلام می داریم.

سازمان جوانان دمکراتیک افغانستان، جوانان جنبش خلق آنگولا، اتحادیه جوانان انقلابی اتیوپی، سازمان جوانان مرفقی ترکیه، اتحادیه جوانان دمکراتیک بحرین، اتحادیه جوانان دمکراتیک لبنان، جوانان دمکراتیک مصر، اتحادیه جوانان کمونیست اسرائیل، سازمان متحد جوانان دمکراتیک قبرس، فدراسیون سراسری دانشجویان هندوستان، فدراسیون جوانان کمونیست سریلانکا، فدراسیون جوانان کمونیست آرژانتین، جوانان کونستبولی، جوانان حزب کمونیست برزیل، جوانان سوسیالیست تیلی، جوانان کمونیست اکوادور، سازمان جوانان مورس بهشاپ (گرانادا)، سازمان جوانان حزب ملی خلق جامائیکا، کمیسیون جوانان حزب سوسیالیست متحد مکزیک، جوانان کمونیست پرو، جوانان کمونیست پرتغال، اتحادیه جوانان کمونیست ایالات متحده آمریکا، جنبش جوانان کانالی (ایرلند)، اتحادیه جوانان کمونیست بریتانیا، اتحادیه جوانان کمونیست دانمارک.

در جریان اجلاس فوق العاده هیات اجراییه فدراسیون جهانی جوانان دمکرات، به مناسبت بزرگداشت چهلمین سال تأسیس فدراسیون، که در تاریخ ۸-۱۰ نوامبر ۸۵ (۱۷-۱۹ آبان ۶۴) در برلین پایتخت جمهوری دمکراتیک المان برگزار گردید، سازمانهای شرکت کننده همبستگی پرشور خود را با مردم و جوانان ایران ابراز داشتند.

در جریان برگزاری این اجلاس دهها سازمان به نمایندگی از سوری جوانان کشورهای خود بیانیه مشترکی در همبستگی با جوانان ایران صادر کردند. متن این بیانیه چنین است:

"ما امضاء کنندگان زیر همبستگی خود را با مبارزه مردم و جوانان ایران بدین شرح اعلام می داریم:

۱- ما از مبارزات صلح طلبانه مردم ایران کاملاً پشتیبانی می کنیم و خواهان قطع فوری جنگ ویرانگر ایران و عراق هستیم. این جنگ که به تحریک امپریالیسم و ارتجاع منطقه و توسط رژیم عراق آغاز شده در طول پنج سال نکبت یاری که از آن می گذرد موجب نابودی جوانان و ثروتهای ملی طرفین و تشدید وخامت اوضاع منطقه شده است.

۲- ما خرافان آزادی بیدرتگ تمامی زندانیان سیاسی ایران هستیم. ما محاکمات غیر قانونی و سخیفانه و همچنین احکام اعدام و زندانی را که برای بسیاری از مبارزین توده ای، فدائی، و دیگر مبارزین و از جمله اعضای رهبری سازمان جوانان توده ایران صادر شده است، قویاً محکوم می کنیم. ما خواستار حضور ناظران بیطرف، حقوق دانان و پزشکان بین المللی در این دادگاه ها هستیم.

۳- ما پایمال کردن آزادی ما و حقوق

## جوانان در سوسیالیسم

### نقش جوانان در ساختار اجتماعی کشورهای سوسیالیستی

در کشورهای سوسیالیستی اروپایی، نسبت تعداد جوانان به کل جمعیت زیاد است. بر این اساس ۳/۲ میلیون نفر از ۱۶/۷ میلیون شهروند جمهوری دمکراتیک آلمان، جوانان بین ۱۴ تا ۲۵ سال هستند.

در بلغارستان، جوانان ۱۵ تا ۳۰ سال، ۲۱/۳٪ کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و سهم آنان در کشورهای مجارستان، چکسلواکی و رومانی نیز رقمی در همین حد و دانست. در اتحاد شوروی جوانان زیر ۲۰ سال بیش از ۵۰٪ مجموع جمعیت را شامل می‌شوند. در دیگر کشورهای سوسیالیستی به ویژه آسیایی و همچنین در کوبا شمار جوانان بیش از این‌ها است. آمار و ارقام زیرین نشانگر میزان شرکت‌نمیل جوان در زندگی اجتماعی اقتصادی کشورهای سوسیالیستی است.

در چکسلواکی جوانان در گروه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال ۶۵/۴٪ کارگران را تشکیل می‌دهند. در بلغارستان جوانان زیر ۲۹ سال ۲۲/۳٪ کارگران، کارمندان اداری و ۳۰٪ کارگران صنعتی را بوجود می‌آورند. سهم جوانان در رشته‌های مهندسی و متالوژی از این میزان نیز بیشتر است. در صنایع مغولستان کارگران جوان ۸۰٪ نیروی کار را تأمین می‌کنند.

نسل جوان امروز با سطح تخصص بالاتری نسبت به نسلهای گذشته وارد عرصه تولید میشود. جوانان فعالانه ساختار اجتماعی کشور را تغییر می‌دهند و رشد بخشهای پیشرفته صنعت و کشاورزی را تأمین می‌کنند. این امر وجه مهمی از ارتباط و پیوستگی نسل‌ها در تولید اجتماعی جوامع سوسیالیستی است.

اتحادیه‌های جوانان در کشورهای سوسیالیستی به هنگام ضرورت و نیاز اختیار دارند که جوانان را اعم از دختر و پسر یا رضایت خود آنان برای کار در بخشهای اساسی عرصه‌های مختلف تولید و کارهای ساختمانی و غیرفکسیل دارند. در بعضی از کشورها جوانان در پاسخ به فراخوان دولت برای آباد کردن سرزمین‌های پیکر و بایر کشورشان داوطلبانه مسئولیت می‌پذیرند. در این خصوص می‌توان به "نواحی جوانان" در مغولستان که به همین ترتیب دایر شده است، اشاره کرد. شرکت فعالانه جوانان در انجام مهم‌ترین وظایف مربوط به اقتصاد ملی کشورشان پیشرفت سوسیالیسم را به عنوان یک سیستم اجتماعی تسهیل می‌کنند.

#### حقوق جوانان

در کشورهای سوسیالیستی جوانان به مثابه اعضای بالغ جامعه از حقوق و آزادی‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، و شخصی همه جانبه بهره‌مندند. این حقوق در قانون اساسی این کشورها تصریح شده است و هرگونه مجموعه کاملی از ضمانتهای حقوقی سیاسی، سازمانی، مادی، و مزایای ویژه مختص جوانان تأمین شده است. از جمله حقوق

اساسی و ابتدائی که کشورهای سوسیالیستی برای شهروندان جوانان قائل شده اند حق کار تضمین شده با دستمزد متناسب با کمیت و کیفیت کار انجام شده است. به علاوه حق انتخاب حرفه، نوع شغل و کار بر اساس علائق، توانایی ها و تربیت حرفه‌ای جوانان تضمین شده است. در کشورهای سوسیالیستی تربیت آزادانه حرفه‌ای، بهبود مهارتها، آموزش حرفه‌ها و پیشه‌های جدید و بهبود و ترقی سیستم هدایت و کارگزینی تضمین گشته است. در قانون اساسی کشورهای سوسیالیستی حق تحصیل برای همه شهروندان در نظر گرفته شده است. این امر از طریق تحصیل رایگان در همه سطوح آموزشی، امتیازات و مزایای ویژه برای محصلان و غیره تضمین میشود. از روی ارتقا زهرین میتوان به سطح عالی تحصیلات در کشورهای سوسیالیستی و امکانات وسیعی که در اختیار جوانان قرار داده شده است پی برد. در سال ۱۹۸۲، نیمی از جمعیت اتحاد شوروی - بیش

از ۱۲۵ میلیون نفر - از تعلیمات عالی و متوسطه بهره‌مند بودند. در سال تحصیلی ۸۲-۱۹۸۲، ۴۴ میلیون نفر از تحصیلات عمومی و ۴ میلیون نفر از آموزش‌های حرفه‌ای برخوردار شدند و ۵/۲ میلیون نفر نیز در مدارس عالی به تحصیل مشغول بودند. به علاوه در اتحاد شوروی تعداد ۱۰۵۷۰۰۰۰۰ نفر نیز در همه اشکال تحصیلی از جمله آموزشهای نوین حرفه‌ای و دوره‌های تعلیماتی مدت‌دار به تحصیل مشغول بوده‌اند. طی همین سال در جمهوری دموکراتیک آلمان (با ۱۶/۷ میلیون جمعیت) ۲۰۰۰۰۰ دختر و پسر مدارس متوسطه را به اتمام رساندند. در حال حاضر در آلمان دموکراتیک ۱۶۹۰۰۰ آموزگار و دبیر و ۳۰۰ معلم خصوصی در بیش از ۵۰۰۰ مدرسه متوسطه با ظرفیت ۲/۱ میلیون محصل به کار مشغولند. در سال ۱۹۸۲، ۲۶۰۰ دانشجو در ۵۴ دانشگاه و دانشکده و در ۲۴ مدرسه متوسطه تخصصی ثبت نام کردند. این رقم در سال گذشته (۸۴) به ۲۰۰۰۰۰ افزایش یافته است.

سطح سواد در کشورهای سوسیالیستی بسیار بالا است. در لهستان ۹۸/۹ درصد در مجارستان ۹۹/۲ درصد و در اتحاد شوروی ۹۹/۹ درصد مردم با سوادند. دیگر حقوق اجتماعی قابل توجه برای جوانان عبارتند از حق تفریح و استراحت، حفظ سلامت و تندرستی، بهره‌مندی از مزایای فرهنگی، عضویت در سازمانهای عمومی، آزادی مطبوعات و بیان.

همچنین موادی از قانون اساسی کشورهای سوسیالیستی مشخصاً به جوانان اختصاص یافته است. از جمله در قانون اساسی جمهوری دموکراتیک آلمان ماده قانونی خاصی در رابطه با پرداخت مزد مساوی به جوانان در قبایل کار مساوی یا بزرگسالان به چشم می‌خورد.

در قانون اساسی بلغارستان، مغولستان، لهستان و دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز مواد ویژه‌ای در رابطه با حمایت و مراقبت خاص از نسل آینده این کشور گنجانده شده است. برای نمونه در قانون اساسی بلغارستان، ماده‌ای وجود دارد دایر بر اینکه "خانواده، مدرسه، بنگاه‌های دولتی و سازمانهای عمومی نقش مهمی در جهت رشد معنوی، اخلاقی، زیبایی‌شناسی، فرهنگی، جسمی، آموزشی و تحصیلاتی تکنیکی ایفا می‌کنند". جوانان اعم از دختر و پسر در کشورهای سوسیالیستی از حقوق سیاسی برخوردارند.

آنها می توانند در انتخابات ارگانهای دولتی شرکت کنند و در آن ارگانها انتخاب شوند. در اکثر این کشورها جوانان از سن ۱۸ سالگی از حقوق انتخاباتی برخوردار می شوند. در بلغارستان، مغولستان، لهستان و جمهوری دموکراتیک آلمان، زنان و مردان جوان می توانند در سن ۱۸ سالگی به نمایندگی ارگانهای دولتی انتخاب شوند. این سن در چکسلواکی و جمهوری سوسیالیستی ویتنام ۲۱ سالگی، در رومانی ۲۲ سالگی و در کوبا ۱۶ سالگی مقرر گشته است.

بر خورده‌ای جوانان از حق رأی دادن و انتخاب شدن، ضامن اساسی برای شرکت فعالانه آنان در زندگی سیاسی و اداره امور کشور محسوب می شود. به علاوه حق پیشنهاد قوانین که قانون اساسی شماری از کشور های سوسیالیستی برای سازمانهای جوانان قائل شده دارای اهمیتی اساسی است، از این لحاظ که این حق تنها به معنای فراهم آمدن امکان و فرصت پیشنهاد مواد قانونی نیست بلکه همچنین ارگان های عالی قانون گذاری این کشور ها موظفند پیشنهادات مطروحه را در دستور کار خود قرار دهند و به بحث بگذارند. این حق در قانون اساسی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی محترم شمرده شده است. هم چنین "اتحادیه جوانان کمونیست دمیتروف (بلغارستان) اتحادیه انقلابی جوانان مغولستان"، "اتحادیه جوانان کمونیست رومانی"، "اتحادیه جوانان کمونیست هوشی مین (ویتنام)"، "اتحادیه جوانان کمونیست کوبا" نیز از این حق برخوردارند. از این طریق جوانان در تنظیم عملکرد های دولت در رابطه با زندگی، کار و تحصیل خویش و موقعیت سازمانهای جوانان در جنبه وسیع سوسیالیستی شرکت دارند. با برجسته شدن نقش جوانان و شرکت فعال آنان در زندگی اجتماعی و تصمیم گیری های اساسی مربوط به امور دولتی، بخشی از کشور های سوسیالیستی قوانین ویژه ای را در رابطه با جوانان تدوین کرده اند. نخستین قانون از این دست در سال ۱۹۵۰ به وسیله مجلس خلق جمهوری دموکراتیک آلمان به تصویب رسید. این قانون در برگرفته حق کار، حق تفریح و استراحت، حق شرکت در زندگی سیاسی و حق تحصیل برای جوانان بود.

در سال ۱۹۶۴ برخی دیگر قوانین برای جوانان درباره وظائف دولتها در <sup>تعمیل</sup> حضور نسل جوان در زندگی اجتماعی به تصویب رسید. سومین قانون جاری مربوط به جوانان در سال ۱۹۷۴ تدوین شد. این قانون وظائف جوانان و مسئولیت دولت را برای رشد همه جانبه نسل بالنده فرمول بندی کرده است.

در سال ۱۹۷۱ قانون مشابهی درباره جوانان در مجارستان به تصویب رسید. این قانون حقوق اساسی و وظائف جوانان در ارگانهای دولتی را در رابطه با شهروندان جوان محین و مشخص کرد. قانون مجارستان مناسبات دولت سوسیالیستی و نسل جوان را به شکلی نوینی - شورا های جوانان - ارتقا داد.

اجرای وظائف این شورا ها مبنی بر نظارت بر اجرای قوانین مربوط به جوانان و مستلزم حضور توده ای نسل جوان در این نهادهاست. هر کشور سوسیالیستی به رشد جنبش جوانان تحت رهبری و هدایت سازمانهای جوانان - اتحادیه های جوانان ستوجه دارد.

## “بهشت” سرمایه‌داری، “دوزخ” جوانان

### ژاپن: دوزخ آزمون

دلیل این واقعیت اسفناک را باید بیش از هر چیز در سلطه فرهنگ مصرفی، اشباع بازار از انواع و اقسام کالاها و ایجاد یک خلاء روحی بیسابقه دانست. بدین دلیل، اکثر افرادی که شخصیتشان در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ شکل گرفته است بیش از دیگران از “دلزدگی” و “یوچی” رنج می‌برند. ناهنجاری در جسم و جان جوانان ژاپن از هنگام کودکی شکل می‌گیرد. اکثر کودکان پنج شش ساله ژاپنی باید از “دوزخ آزمون” بگذرند. زیرا:

والدین مایل اند که فرزندانشان در شرکت های معتبر و مشهور استخدام شوند، شرکت های معتبر و مشهور مایل اند که کارکنانشان از خارج التحصیلان دانشگاه های معتبر و مشهور باشند، دانشگاه های معتبر و مشهور مایل اند دانشجویان خود را از میان محصلین مدارس معتبر خصوصی انتخاب کنند، مدارس معتبر خصوصی فقط کودکان مهد کودک های معتبر را می‌پذیرند،

و برای ورود به این مهد کودک های کنکورهای مخصوص وجود دارد. بنابراین کودکان ژاپنی پیش از آن که خود را بشناسند پای در میدان مسابقه جان فرسایی می‌گذارند که به حق “دوزخ آزمون” لقب گرفته است. گذار از این دوزخ پایانی ندارد. در هر سن و در هر موقعیت باید تا آخرین نفس تلاش کرد تا از صحنه رقابت حذف نشد. در این جا، هرچه که خارج از چارچوب رقابت قرارگیرد، بی معنی است. تفریح، لذات بچه دوسه ۱۵

خودخواهی، یوچی‌گری و دلزدگی از جامعه در میان جوانان به صورت گرایش نگران کننده‌ای در آمده است که آینده کشور را تحت تاثیر قرار خواهد داد.”

این ارزیابی روزنامه بانفوذ ژاپنی “آسامی شیمبون” از وضعیت جوانان کشور است. دولت ژاپن نیز این ارزیابی را تأیید می‌کند. در یکی از نوشته‌های دولتی، خودمحموری، دلزدگی، تنفر از کار و علاقه بی حد به تفریح به عنوان خطوط مشخصه جوانان ژاپن به شمار آمده است. این نتیجه گیری از مطالعات مختلفی که در مورد جوانان گروه های سنی مختلف انجام شده، بدست آمده است. به عنوان مثال یکی از این مطالعات نشان داده که تنها ۴ درصد افراد مورد بررسی حاضرند در بخش های خدمات عمومی کار کنند و تنها یک چهارم آنها براین اعتقادند که کار معنای زندگی است. ۲۸ درصد آنها می‌خواهند به هر قیمت شده تروتمند شوند و ۴۴ درصد بر آن اند که “فقط آنچه که دلشان می‌خواهد، مهم است.”

روزنامه “آسامی شیمبون” همچنین به مطالعاتی که جهت مقایسه وضعیت جوانان ژاپنی با همتهای آمریکایی، اروپای غربی و آسیای جنوب شرقی شان شده است، اشاره می‌کند. مطابق نتایج این مطالعات، جوانان ژاپنی از نظر ناراضی از مدرسه، شغل اداری و صنعتی، عدم تفاهم با والدین و خانواده، سرخوردگی از جامعه، عدم تمایل به تلاش جهت بهبود، در سالهای اخیر رتبه اول را حاشی شده‌اند.



صلح نخستین حق بشر است